



جلد اول . منطق دهم

تست های
پرتنوع

درسنامه
همه جانبه

انسانی جامع فلسفه و منطق

نیما جواهری





خواننده گرامی، برای دسترسی به تست‌ها و پاسخ‌های تحلیلی
کنکورهای اخیر + «مطالب تکمیلی صوتی و تصویری»، بارکد
روبه‌رو را اسکن کنید، و با وارد کردن کد خراشی داخل جلد
همین کتاب (این روبه‌رو سمت راست) به این مطالب
دسترسی پیدا می‌کنید.

محتوای تکمیلی این کتاب



روزی نشست بر پاره‌سنگی

با انگشتانی گره‌کرده در زیر چانه‌اش

و خیره‌نگاهی تا بی‌انتهای

آرام آرام شرارِ وسوسه‌ای در رگ‌هایش دوید

و هُرمِ قدرتی سترگ، ساق‌های بی‌قرارش را در هم نوردید

ناگاه به پا خاست

و گام در راهی نهاد

بی‌انتهای

- انسان را می‌گویم -

او ناچارِ رفتن بود و یافتن

شاید به این امید که روزی، بر فراز قلّه‌ی دریافتن، پاتابه وا کند و یله بر چارطاقِ نیلیِ چرخ دهد.

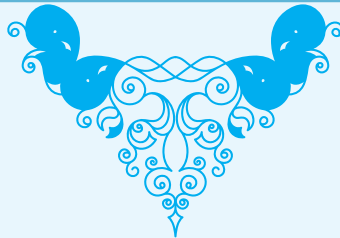
تقدیم به شما و همه‌ی آن‌هایی که

برای «یافتن»

راهی جز «دریافتن» نمی‌شناسند.



سرشناسه: جواهری، نیما، ۱۳۷۹ -
عنوان و نام پدیدآور: فلسفه و منطق جامع انسانی، جلد اول: منطق دهم / مولف نیما جواهری
مشخصات نشر: تهران: دریافت، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۲۶۸ص.: جدول؛ ۲۲×۲۹ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۷۳-۵۶-۰
شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۷۳-۵۸-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر
شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۵۶۴۸۷



فلسفه و منطق جامع انسانی

جلد اول: منطق دهم

نویسنده: نیما جواهری

همکار تألیف و ویراستاری: علیرضا نصیری

ناشر: نشر دریافت

طراح جلد: ایمان خاکسار

ناظر چاپ: سعید حیدری

طراح و صفحه‌آرا: نرگس عموتقی

نوبت و سال چاپ: دوم، ۱۴۰۵

شمارگان: ۱۰۰۰

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۵۰۳۹۲

نشانی اینترنتی: www.Daryaftpub.com

پست الکترونیک: daryaftpub@gmail.com

برای مشاهده قیمت کتاب
زیر را اسکن کنید.



حق چاپ و نشر این کتاب متعلق به ناشر بوده و هرگونه کپی یا نقل مطالب
بدون اجازه ناشر پیگرد قانونی دارد.



مقدمه مؤلف

پرومتئوس: آری من آدمی را از اندیشه مرگ رهانیدم...

همسرایان: بر این درماندگی چه چاره آوردی؟!

پرومتئوس: امیدی موهوم در دلش نشاندم!

همسرایان: مبارک بخششی بود آن را که اندوهناک تقدیری دارد!

«پرومته در زنجیر / آیسخولوس»

مقدمه در آغاز کتاب می‌آید اما معمولاً آن را آخر کار می‌نویسند. آن زمان که نویسنده پس از مدت‌ها تقلا و کار مداوم، می‌تواند با خیال راحت، فاتحانه از دستاوردها و نتیجه‌ی کارش به خود ببالد و شادمانی کند. پس از گذشت مدت‌های مدید کار مطالعه و نوشتن شبانه‌روزی و حاصل‌شدن کتابی کامل و بی‌سابقه که حتی بسیار شگرف‌تر از آنچه شد که در ذهنم تجسم کرده بودم، اگر بخواهم احساسم و کارم را در یک واژه‌ی کوتاه توصیف کنم، شاید عجیب باشد که با الهام از این دیالوگ «پرومته در زنجیر» اثر آیسخولوس، آن را امیدی موهوم بنامم. این کتاب سراسر برای من امیدی موهوم بود و هست و شاید تا واپسین لحظه‌ی زیست‌م به شکلی متناقض با آن سر کنم، همانطور که با خود زندگی؟! ملغمه‌ای بی‌پایان از روحیات بلندی که در بستری تنگ نمی‌گنجند.

نمی‌دانم چرا در هنگام نوشتن این مقدمه، ناگزیر دارم با خود، همه‌ی زندگی‌ام از سر گذشته‌ام را مرور می‌کنم. سورت کی‌یر کگارد در آغاز سال ۱۸۴۳ در دفتر خاطره‌های خود نوشت: «چه راست گفته‌اند این فیلسوفان که زندگی باید با نگاه به پشت سر شناخته شود. اما آنها اصل دیگری را از یاد برده‌اند که زندگی باید رو به جلو زندگی شود. دقت به این اصل هر دم بیشتر روشن می‌کند که زندگی زمانمند هرگز نمی‌تواند در کمال خود شناخته شود، به‌طور خاص به این دلیل که من هرگز در هیچ لحظه‌ای نمی‌توانم جایگاهی بیابم که موقعیت لازم یعنی نگاه به گذشته را فراهم آورد». او حق داشت. زندگی کردن و زندگی را درک کردن دو امری هستند که در بنیان با هم تفاوت دارند، و همواره امکان تقابل میان این دو وجود دارد. این تقابل البته ناشی از فاصله‌ی زمانی است، برای فهم امروز باید به امروز و فردا پشت کرد و به گذشته نگریست؛ اما زندگی هرگز امکان پشت کردن به امروز و فردا را فراهم نمی‌آورد، زیرا همواره از امروز به سوی فردا جریان دارد. با این وصف نمی‌دانم که کی و چگونه دارم گذشته را روایت می‌کنم، گذشته نمی‌تواند از لابه‌لای تمامی تجارب زیسته‌ام از نو زنده شود و بی‌واسطه زبان بگشاید، شاید من از جانب آینده‌ای که در ذهن متصورم دارم شکلی به گذشته‌ام می‌دهم و روایتی منطقی از آن می‌سازم، از جانب همان امید موهوم! که به شکلی وارونه خود آن زاده‌ی همان گذشته‌ای است که داشته‌ام. بنابراین تاریخ و گذشته‌ی انسانی چیز عجیبی است، گذشته هرگز نمرده است. گذشته حتی هنوز نگذشته است. گذشته ما را به عقب نمی‌کشاند، بلکه به پیش می‌راند، و برخلاف آنچه انسان انتظار دارد، این آینده است که ما را به سوی گذشته به پیش می‌راند.

حال هنگامی که به این زندگی از سر گذشته می‌اندیشم، گاهی در آن سرفرازم و گاهی سرافکنده، به دیگران که فکر می‌کنم بیشتر سرفراز و به خودم که فکر می‌کنم بیشتر سرافکنده. در همین لحظه‌ی ناگزیر که بی‌اختیار افسوس می‌خورم، مانند همیشه خودم را تسکین می‌دهم و شعری همیشگی بر لب‌هایم جاری می‌شود: «از بیرون به درون آمدم، از منظر به نظاره، به ناظر... نه به هیأت گیاهی، نه به هیأت پروانه‌ای، نه به هیأت سنگی نه به هیأت برکه‌ای... من به هیأت ما زاده شدم، به هیأت پرشکوه انسان!... تا در بهار گیاه به تماشای رنگین کمان پروانه بنشینم، غرور کوه را دریابم و هیبت دریا را بشنوم... تا شریطه‌ی خود را بشناسم و جهان را به قدر همت و فرصت خویش معنا دهم... که کارستانی از این دست، از توان درخت و پرنده و صخره و آبشار بیرون است... انسان زاده شدن تجسد و وظیفه بود!... توان دوست داشتن و دوست‌داشته شدن، توان شنفتن، توان دیدن و گفتن، توان انده‌گین و شادمان شدن، توان خندیدن به وسعت دل، توان گریستن از سویی جان، توان گردن به غرور برافراشتن در ارتفاع شکوهناک فروتنی، توان جلیل به دوش بردن بار امانت، و توان غمناک تحمل تنهایی، تنهایی، تنهایی عریان... انسان، دشواری وظیفه است...» در این اثنا به یاد می‌آورم که برای این شعر همیشگی نوشته بودم زمانی: «میدانی که زندگی‌ام چنین بوده و او انگار برای من می‌خواند صداقت‌بارترین وصف زیست‌م را... او نشسته است آن‌جا که من ایستاده‌ام... تمام زندگی من، از نظر گاهی شگرف، نظر گاهی که تو دیده‌ای و خواهی دید... او دارد می‌خواند این چنان-بودگی من را... حتی اکنون که درگیر مشغله‌های بی‌شمارم، با همه‌ی وجود دارم قدم برمیدارم... چون می‌دانم که ما سربلندیم، ما بیشتر

از همگان تاب زیستنی داریم سرشار از رعایت پرشکوه انسان... همانطور که کارم را کنار گذاشتم که این چند سطر را بنویسم، می‌نویسم برای آینده‌ای که از آن ماست... یادت می‌آید که گفته بود: به من بنویس تا هر دم و هر لحظه بتوانم آن را بشنوم. به من بنویس تا یقین داشته باشم که تو هم مثل من در انتظار آن شب‌های سفیدی. به من بنویس که می‌دانی این سکوت و ابتذال زائیده‌ی زندگی در این زندانی است که مال ما نیست... که خانه ی ما نیست... که شایسته‌ی ما نیست. الان یک کاش بلند گفتم. که این روزها را میدیدی، آن وقت از تصور روزها و شب‌هایم دل‌تنگ نمیشدی، اگر میدیدی، میدانستی که ایمان چیز دیگری است، دارم از آن سعادتی حرف می‌زنم که از دستان و چشمانم تراوش می‌کند هنگامی که کمی کنار مینشینم که بنویسم، چیزی که آن هنگام که دیده شود، آتش چشمان را از شوق و عشق تابان و شعله‌ور خواهد ساخت!..

آغاز راه فلسفه در زندگی برای من شاید چندان دقیق و واضح نباشد. شاید نتوانم یا حتی لازم نباشد آن سنگ بنای نخستین را واکاوی کنم. مهم این است که مانند هر سرنوشت و قصه‌ی دیگری آنچه شد، شد! حتی اگر قصه‌ای نباشد که برای یک بچه‌ی معصوم در شبانگاهان تعریف شود و خوابش را لذت و عمقی دوچندان دهد. بارها در کلاس‌هایم پیش آمد که وقتی پرسیدند چطور فلسفه را دقیق بفهمیم، گفتم که باید برایش بها داد، حتی خود زندگی را. نمی‌دانم بهای شگرفی که برایش در زندگی دادم کم بود یا زیادی تنها می‌دانم که همه چیز از یک فیگور و تصمیم آغاز شد، یک سال پس از سرکوب مطالعات پیشین فلسفی‌ام بخاطر تحصیل در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران. خواستم فلسفه همه‌ی زندگیم بشود. رفتم فلسفه. این فیگور را بهتر است در این فضای شعری که گشوده شد «اسفندیار مغموم» بنامم. «من تنها فریاد زدم نه! ... من از فرو رفتن تن زدم... صدایی بودم من، — شکلی میان اشکال — و معنایی یافتم. من بودم و شدم... نه زانگونه که غنچه‌ای گلی، یا ریشه‌ای که جوانه‌ای، یا یکی دانه که جنگلی... راست بدانگونه که عامی مردی، شهیدی؛ تا آسمان بر او نماز برَد... من بی‌نوا بندگی سربراه نبودم، و راه بهشت مینوی من بُزرو طوع و خاکساری نبود... مرا دیگر گونه‌ی خدایی می‌بایست، شایسته‌ی آفرینه‌ای که نواله‌ی ناگزیر را گردن کج نمی‌کند... و خدایی دیگر گونه آفریدم».

کمی در زندگی جلوتر که می‌آیم برایم بیشتر آشکار می‌شود که انسان موجودی است که با انگیزه‌های حقیر کارهای بزرگ انجام می‌دهد و برای حقایق و انگیزه‌های بزرگ کارهای حقیرانه. به یاد شبی در بیست و چهارم آبان نود و هشت می‌افتم، یاد اضطراب، بی‌خوابی و دلی تنگ که مصادف بود با زایش رویایی بزرگ. نوری بزرگ که بر قلبم تابید و سال‌های بعد مرا رقم زد. کارهای بی‌وقفه‌ی من آغاز شد و تدریس و نوشتن برای بسیاری از دانش‌آموزان این خاک بدل به تمام زندگی‌ام شد. آن امیدی موهوم شکلی داشت که با کار شبانه‌روزی یکی می‌شد و نوری در قلبم زنده می‌داشت تا از حقایق زندگیم دفاع کنم. هنوز نفسم گرم آن روزها و شب‌هایی است که برای نجات حقیقت زندگی‌ام تلاش می‌کردم. برای امیدی که مرا وامیداشت تا بتوانم انسان باشم و بکوشم که شمع کوچک دلخوشی‌هایم را همچون کاراکتر فیلم نوستالژی‌ای تار کوفسکی از آن سوی باد، به این سوی رسیدن بیاورم؛ و سپرم در برابر تمامی بادهای سرد، نورا و گرمای قلبی بود که نمی‌خواستم تاریکی حتی به نزدیک آن بیاید. زمانی که تنهاترین لحظاتم بود یک‌تنه و بی‌دفاع زخم می‌خوردم و می‌ایستادم و نمی‌خواستم جانب حقیقت و راستی را واگذارم و فلسفه سلاح بی‌رمق دستانم بود. زمانی که چون ادیپوس، همان آخرین فیلسوفی که نیچه نوشت با خود ندا دادم: «من آخرین انسانم، هیچ‌کس با من سخن نمی‌گوید جز خودم. ای صدای من، با تو از طریق افسون کردن خویش از تنهایی می‌گریزم و به یاری دروغ خود را به جایی می‌برم سرشار از تکثر و عشق. زیرا دلم در برابر این باور که عشق مرده است مقاومت می‌کند و هنوز نمی‌تواند لرزش سرد تنهاترین تنهایی را تاب آورد، و از این رو مرا وامی‌دارد تا چنان سخن بگویم که گویی دو نفر هستم... آیا هنوز صدایت را می‌شنوم ای صدای من؟».

صدای من یک دل بود و یک‌رنگ، همان هنگام که ترک برداشت. و امید موهوم من قدم زد، خیابان را قدم قدم پیمود و همچون والوشکا در فیلم هارمونی‌های ور کمایستر تمام حس رگ‌هایم را کشید و قدم زنان در تاریکی همیشگی سینمای بلاتار محو شد. از این لحظه در زندگی من زمان درازی گذشت که کم کم دریا بهای چندان نیست که در خور فلسفه و اندیشه باشد. بلکه فلسفه خود بهایی است که باید پرداخت، تا شاید زندگی، ارزش زیستن داشته باشد. در دوران ناامیدی‌ام نسبت به بسیاری از آرزوها و دلخوشی‌هایی که داشتم، کلاس درس فلسفه مأوایی بود که با بچه‌هایم درس آزادگی و شجاعت اندیشیدن را مرور کنیم. زمانی بود که بتوانم از یاد ببرم تاریکی‌ها را، و نظاره‌گر جرقه‌زدن نورهای بسیار در ذهن فرزندان این آب و خاک باشم. امتحان کلاس شروع شود با اینکه نظر فلسفی خود را برایم بنویس! و کتابی که هدیه می‌دهم را حاشیه بنویسم به امید به بار نوشتن مطلوبیت از فلسفه! و در گوشش بخوانم که شجاع باش همچون الکساندر سولژنیتسین...

این کتاب ماحصل سال‌هایی است که بر من و درس فلسفه‌ام با بچه‌های رنگین و آینده‌ساز این دیار گذشت. با فکرهای بسیار، کتابی تألیف شد تا بدانم زیست‌م بیهوده نبوده، و بهترین کتابی که بشود متصور بود برای فرزندان این سرزمین مهیا شده است، و بر سر واژه به واژه‌ی آن فکر و مطالعه صورت گرفته است. کتابی مرجع، که بتواند چاره‌ی کار مطالعات هر دانش‌آموز یا حتی دبیر زحمت‌کشی باشد که در پی آموزش حقیقت فلسفه و ارائه‌ی راه روشن و درست به بچه‌هایش هست. امید است که کار بنده‌ی حقیر بتواند دلخواه صاحبان نظر واقع شود و علاقه‌مندان این درس پویا و بنیادین در مطالعات علوم انسانی را به حیطه‌های زیبا و مباحث عمیق آن راهنما باشد.

این کتاب را تقدیم می‌کنم به دانش‌آموز آرام پشت میز و نیمکت‌های شکسته‌ی روستاهای دورافتاده‌ی کردستان که عاشق دیدن دریاست. به روایت‌گر قصه‌های صمد در دل کوه شاهو. همان عاشق نقش ماهی سیاه کوچولو شدن. همان که می‌گفت نمی‌توان پشت میز صمد شدن نشست و به چشم‌های فرزندان این آب و خاک خیره شد و سکوت کرد و راه دریا را به ماهیان کوچولوی این سرزمین نشان نداد؛ و نمی‌توان در قحط‌سال عدل و داد معلم بود و «الف» و «بای» امید و برابری را تدریس نکرد. که آموزگار، نامش را و افتخارش را، ماهیان کوچولوش به او بخشیده‌اند، نه مرغان ماهیخوار!

این کتاب با همت بسیاری توانست به سرانجام برسد که نمی‌توانم سخنم را بدون سپاسی ویژه از آنان به اتمام برم: قبل از همه، از دکتر هامون سبطی، مرد شریف و مدیریت دلسوز و مهربان مجموعه‌ی انتشارات دریافت تشکر می‌کنم که همیشه با حمایتی دلسوزانه و مدبرانه من را در کارم راهنما بودند؛ و در انتشارات وزین و خوش‌نام دریافت، راهی نو در زمینه‌ی انتشار کتب و ویژه‌ی رشته‌ی علوم انسانی گشودند و هر روزه با قوت قلب و حمایت مهربانانه مجموعه‌ی علوم انسانی را به پیشبرد این کار عظیم و تأثیرگذار تشویق کردند. این تنها آغاز ده‌ها پروژه‌ی تألیف نشر دریافت در زمینه‌ی کتب علوم انسانی است که برای همیشه در یادها خواهد ماند و اگر بارها به عقب برگردم، در این فضای سودجو و ناپاک کنکور این روزها، مجموعه‌ی شریف و پاک‌دست ایشان را برای انتشار کتاب‌هایم انتخاب خواهم کرد.

از بچه‌های تیم تولید و تایپ در انتشارات دریافت، به ویژه خانم نرگس عموتقی، نهایت سپاس خود را ابراز می‌کنم که با سلیقه و حوصله‌ی بسیار، زحمت سخت آماده‌سازی و صفحه‌آرایی یک کتاب زیبا را تقبل کردند؛ همچنین از آقای ایمان خاکسار که زحمت طراحی جلد متفاوت و جذاب کتاب را بر دوش داشتند و خانم صدف گلشنی که با هنر زیبایشان در نقاشی کاراکترهای فلسفی، زیبایی بصری کتاب را دوچندان کردند تشکر می‌کنم.

از رتبه‌های برتر کنکور سراسری، به ویژه علیرضا نصیری عزیز تشکر می‌کنم که با نظرها و یاری‌هایشان من را در کاربردی‌تر شدن کتاب و قوت ساختار آن یاری رساندند.

نیما جواهری

آبان ۱۴۰۱

خیره به نمای پنجره‌ای روبه‌روی گروه فلسفه
در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران



راهنمای مطالعه کتاب



سلام دوست خوب نادیده!
این کتاب برایت سرشار از شگفتی‌هاست! سرشار از بخش‌های فوق‌العاده جذاب و ویژه که در بین آموزش‌ها پیدا می‌شوند و تسلط تو را به دقت و عمق خیلی بیشتری می‌رسانند. این کاراکتر یونانی کتابم رفیق و همراه تو در این مسیر است. حواسم همیشه جمع بوده که همواره در هر مبحثی سر و کله‌اش پیدا شود و هوایت را حسابی داشته باشد :



نکته

در این بخش‌ها نکات و آموزه‌هایی خیلی مهم که نیاز است به طور ویژه به آن‌ها توجه کنی آورده شده‌اند.



تله

در این بخش‌ها تله‌ها و دام‌هایی که ممکن است به آن‌ها دقت نکنی و در تست‌ها تو را به اشتباه بیندازند، به طرز موشکافانه و کاملی آورده شده‌اند تا هشدار داده شوی!



مشابهت

در این بخش‌ها جملات، عبارات، کلمات و نکاتی که بسیار با هم شباهت دارند ولی تو باید حواست جمع باشد که آن‌ها را با هم اشتباه نگیری، آورده شده‌اند. با این بخش مشابهت تو احتمال خطا را به نزدیک صفر می‌رسانی و در دام طراح تست نمی‌افتی!



رفع ابهام

در این بخش‌ها سعی کرده‌ام مواردی که کتاب دقیق بررسی نکرده و ممکن است درباره‌اش ابهام داشته باشی بیاورم و یا مباحث سخت را به زبان ساده‌تر با راهکارهای عملیاتی‌تری توضیح بدهم. خلاصه که این بخش برای این است که گاهی در سخت‌ترین درس کنکور انسانی نفس راحتی بکشی! :



پرسش ؟

در این بخش‌ها سعی کرده‌ام با پیش‌بینی سؤالاتی که ممکن است برای‌ت پیش بیاید و بخواهی جوابشان را بگیری، آن‌ها را بیشتر بشکافم و پاسخ دقیق و درستی به آن‌ها بدهم. در عمرم چه بسا بیشتر از برگ درخت، دانش‌آموز سرگردان دیده‌ام! دانش‌آموز سرگردان در پی پاسخ سؤالاتش در فلسفه و منطق!



ترکیبی

در این بخش‌ها نکات ترکیبی را برای‌ت آورده‌ام. اگر مبحثی بین دو درس با هم ارتباط داشته باشد، می‌توان آن‌ها را با هم ترکیب کرد و من تمام موارد ترکیبی که بتوان از آن‌ها تست طرح کرد را برای‌ت در این بخش‌ها بررسی کرده‌ام.



فرا تحلیل

این بخش‌ها ابهت زیادی دارند! در فراتحلیل نکات و مباحثی که در کتاب می‌خوانیم و یاد می‌گیریم، در سطح عمیق‌تر و تخصصی‌تری بررسی می‌شوند تا به نهایت تسلط مفهومی و سواد فلسفی در آن‌ها برسیم. در این بخش‌ها معمولاً حالت‌هایی که ممکن است تست‌های یک درس را سخت کنند و نکات دشوارتر را بررسی کرده‌ام؛ البته بدین معنا نیست که این بخش‌ها خارج از کتاب‌اند. اگر طراح بخواهد تست سخت طرح کند حتماً سراغ این نکات می‌رود. اما خواهش دارم که فقط دانش‌آموزان قوی و کسانی که به دنبال درصد بالای ۷۰ و ۸۰ هستند، این بخش‌ها را مطالعه کنند. اگر خیلی وقت زیاد برای فلسفه و منطق نمی‌گذاری، کارکردن این بخش‌ها ممکن است اذیت کند. این نکات و مباحث سخت را در یک بخش جداگانه آورده‌ام تا هم نیاز دانش‌آموزان قوی را برآورده کنم و هم سایر دانش‌آموزان به راحتی آن‌ها را کنار بگذارند و با نکات سخت اذیت نشوند.



موشکافی متن



هدف منطق **انه آموزش شیوه درست اندیشیدن** **انه این که از تمام آن‌ها جلوگیری کنند**
 علمی که در پی **جلوگیری از خطای اندیشه است**، منطق نام دارد. منطق دانان کوشیده‌اند
 با **بررسی انواع خطاهای ذهن و دسته‌بندی آنها**، راه‌های جلوگیری از آنها را نشان دهند.
 ایشان قواعدی را که باید رعایت کنیم تا دچار خطای فکری با اصطلاحاً **مغالطه** (سفسطه)
 نشویم، مشخص کرده‌اند. هر خطای فکری‌ای مغالطه است چه عمدی باشد چه غیرعمدی
 منظور همان قواعد شیوه درست اندیشیدن است. **مغالطه = سفسطه = خطای فکری**

در این بخش‌ها تو یک برش عینی از کتاب درسی را خواهی دید. در این بخش متن خود کتاب درسی واژه به واژه موشکافی شده و همه نکات و تله‌هایی که می‌توان از دل آن استخراج کرد، در حاشیه آن نوشته شده است. علاوه بر این هایلایت‌گذاری‌ها هم خیلی مهم هستند. کلمات کلیدی هر پاراگراف را برای‌ت با هایلایت زرد مشخص کرده‌ام تا بتوانی با یک نگاه کلی بحث آن پاراگراف را سریع مرور کنی. همچنین قیدها و کلمات ربط را با هایلایت آبی برای‌ت مشخص کرده‌ام. می‌دانی که دستکاری این قیدها گزینه‌های غلط می‌سازد و این تله‌ها چقدر در تست خطرناک هستند.

ممنون که آن‌قدر آگاهی و می‌دانی که برای پیشرفت در علم باید مطالعه کرد و یاد گرفت! نه اینکه دنبال کتاب‌ها و کلاس‌های خنگ‌آموزی بروی که بیشتر یک نوع سیرک یا جلسه مدیتیشن هستند!

فهرست

عنوان درس	درسنامه	بانک تست
۱ منطق، ترازوی اندیشه	۱۰	۱۲۵
۲ لفظ و معنا	۲۲	۱۳۲
۳ مفهوم و مصداق	۳۶	۱۳۹
۴ اقسام و شرایط تعریف	۴۴	۱۴۷
۵ اقسام استدلال استقرایی	۵۴	۱۵۵
۶ قضیهٔ حملی	۶۴	۱۶۳
۷ احکام قضایا	۷۴	۱۶۹
۸ قیاس اقترانی	۸۸	۱۷۸
۹ قضیهٔ شرطی و قیاس استثنایی	۱۰۳	۱۸۶
۱۰ سنجشگری در تفکر	۱۱۴	۱۹۴

اللفظ يدل على المعنى إما على سبيل المطابقة بأن يكون ذلك اللفظ موضوعاً لذلك المعنى وبإزائه، مثل دلالة المثلث على الشكل المحيط به ثلاثة أضلع وإما على سبيل التضمن بأن يكون المعنى جزءاً من المعنى الذي يطابقه، مثل دلالة المثلث على الشكل، فإنه يدل على الشكل لا على أنه اسم الشكل، بل على أنه اسم معنى، جزئه الشكل، وإما على سبيل الاستتباع والالتزام، بأن يكون اللفظ دالاً بالمطابقة على معنى ويكون ذلك المعنى يلزمه معنى غيره كالرفيق الخارجي لا كالجزء منه بل هو صاحب ملازم له، مثل دلالة لفظ السقف على الحائط والإنسان على قابل صنعة الكتابة.

• ابوعلی سینا (شیخ الرئيس)

۸۷۰ تا ۱۰۳۷ میلادی



2

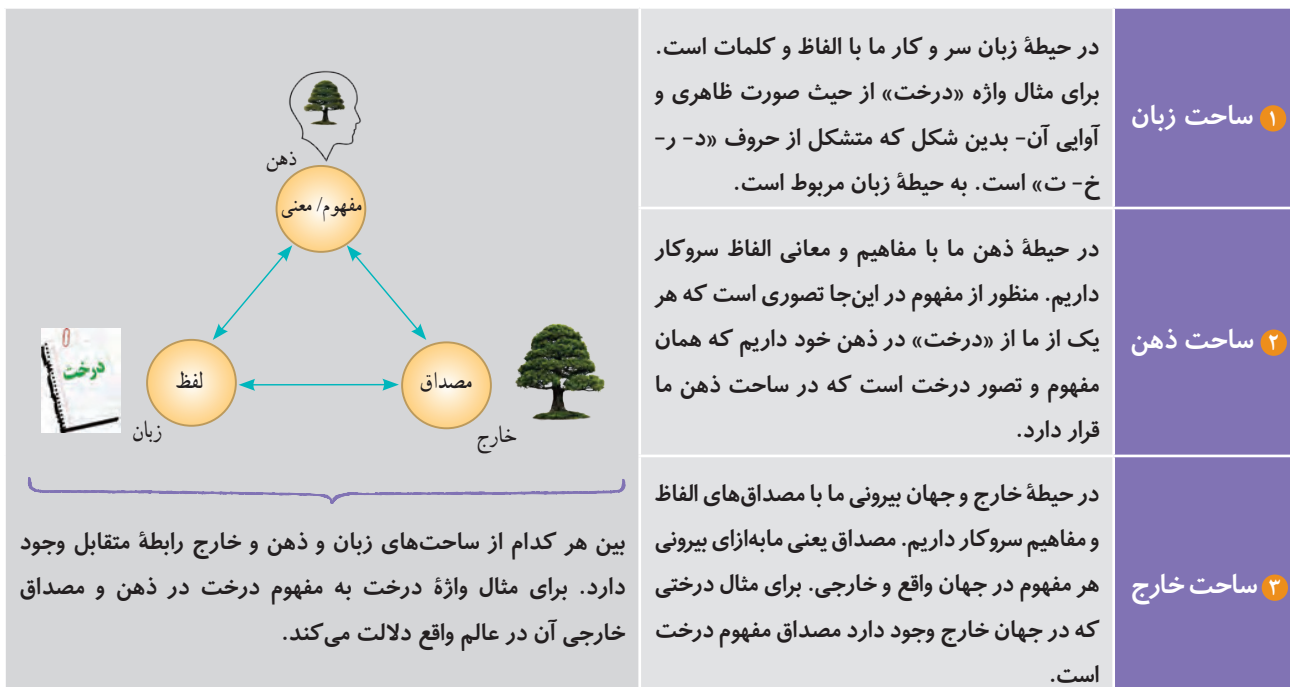
لفظ و معنا

زنگ مشاوره

این درس یکی از دروس جدید اضافه شده در کتاب منطق نظام جدید است که بر محوریت چند مغالطه مهم و تشخیص آن‌ها پیش می‌رود. بر خلاف درس دهم (که آن هم درس جدیدی در کتاب نظام جدید است)، طراح کنکورهای نظام جدید همواره نشان داده که به این درس توجه خاصی دارد و به طرح سؤال از آن علاقه دارد. بنابراین حتماً این درس را برخلاف ظاهر ساده‌اش دست کم نگیرید و با تمام نکات ریز و درشتی که در این درسنامه برایتان آورده‌ام سعی کنید بر آن مسلط شوید. در قسمت مغالطات حتماً توجه داشته باشید که این که عبارتی زمینه‌ساز یک مغالطه بخصوص باشد، فرق دارد با این که آن مغالطه در آن عبارت رخ داده باشد. برای مثال صرف وجود مشترک لفظی در یک عبارت به معنای رخ دادن مغالطه اشتراک لفظ نیست. تشخیص اقسام دلالت لفظ بر معنا را هم جدی بگیرید و آن خیلی زیاد تمرین کنید تا بر نکات آن مسلط بشوید. در بخش ابهام در مرجع ضمیر هم دقت کنید که همیشه قرار نیست پای یک ضمیر برای ایجاد این ابهام درمیان باشد. به طور کلی در این درس تست‌زنی خیلی مهم است.

۱ روابط میان ذهن و زبان خارج

کتاب درسی در مقدمه این فصل سه ساحت (حیطه) کلی به ما معرفی می‌کند. که با هم در ارتباط هستند.



- ما با کمک الفاظ (زبان و واژگان و حروف و ...) با هم ارتباط می‌گیریم. ۲ افکار خود را بیان و به دیگران منتقل می‌کنیم.
- علم منطق زبان را به طور کلی بررسی می‌کند، اما وابسته به زبان خاصی نیست ← در بحث الفاظ در منطق وارد قواعد صرفی و نحوی نمی‌شویم.

تله

این که منطق وابسته به زبان خاص (نظیر فارسی، عربی، انگلیسی و ...) نیست و وارد قواعد صرفی و نحوی نمی‌شود به این معناست که منطق قواعد کلی و جهان شمول و اصل و اساس چپستی زبان و الفاظ را بررسی می‌کند نه یک زبان خاص را. اما این سخن بدین معنا نیست که قواعد صرفی و نحوی و رعایت نکردن آن‌ها نمی‌تواند باعث خطای در اندیشه شود!



- «مفهوم» یا «معنا» در منطق عبارت است از ← ۱ ما به ازاء و محکمی ذهنی لفظ است. ۲ حاکمی از مصداق یا مصادیقی در جهان خارج است. اسم مفعول از ریشه «ح ک ی» یعنی آنچه از آن حکایت می‌شود. اسم فاعل از ریشه «ح ک ی» یعنی حکایت کننده

فرا تحلیل

در برخی کتاب‌های فلسفی بین دو اصطلاح «مفهوم» و «معنا» تفاوت می‌گذارند. مطابق با این آراء، مفهوم عبارت است از مابه‌ازای ذهنی یک لفظ یعنی آنچه لفظ به آن در عالم ذهن دلالت می‌کند که همان تصوّر ما از هر امر می‌باشد. اما معنا را حقیقت هر شیء در عالم خارج می‌دانند یعنی معنا عبارت است از مابه‌ازاء و محکمی خارجی هر معنا. البته این با مصداق متفاوت است. مصداق یک شیء خاص و منفرد در جهان خارج است. برای مثال یک درخت خاص که در جهان خارج وجود دارد مصداق است. اما معنا یعنی حقیقت کلی «درخت» در جهان خارج. همین امر ساده که ما در جهان خارج درخت داریم بدون اشاره به هیچ درخت خاص. اما در سطح درس دوم کتاب منطق شاید نیاز نباشد خیلی بر سر تفاوت ریز «مفهوم» و «معنا» حساس شویم و فعلاً همان معنای مفهوم (تصور ذهنی) را برای هر دو لحاظ می‌کنیم و این دو واژه را مترادف به حساب می‌آوریم.



- همان‌طور که گفتیم میان هر یک از ساحت‌های ذهن و زبان و خارج رابطه متقابل وجود دارد ← وقوع خطا در هر یک از این جمله‌ها می‌تواند به وقوع خطا در حیطه دیگر بینجامد.
- به همین دلیل کتاب درسی در این درس به مغالطات مربوط به ساحت لفظ و مفهوم پرداخته است و در درس بعدی رابطه میان مفهوم و مصداق را بررسی کرده است.

۲ اشتراک لفظ

- قبل از آشنایی با مغالطه اشتراک لفظ لازم است با یک دسته‌بندی از لفظ در منطق آشنا شوید و بدانید که مشترک لفظی چیست.
- ۱ **مشترک لفظی:** به لفظی گفته می‌شود که ضمن داشتن ظاهر کاملاً یکسان، معانی متعددی دارد. ← **مثال:** «شیر» (که می‌تواند به معنای حیوان جنگل، مایع لبنی خوراکی یا شیر آب باشد) یا «عین» (که می‌تواند به معنای چشم، چشمه، طلا و ... باشد)
- ۲ **مشترک معنوی:** به لفظی گفته می‌شود که دارای یک معنا است، اما آن معنا دارای مصادیق متعدد است. ← **مثال:** «انسان»، «درخت» و ...

فرا تحلیل

به طور کلی در منطق می‌توانیم بین لفظ و معنا سه حالت رابطه را به حصر عقلی بیابیم. (حصر عقلی یعنی غیر از این حالت‌ها نمی‌توان حالت‌های دیگری تصور کرد)

مثال	توضیح	رابطه لفظ و معنا	
شیر	یک لفظ واحد بیانگر چند معنای مختلف است.	اشتراک لفظی	۱
درخت	یک لفظ واحد بیانگر یک معنای واحد است که بر مصادیق متعدد اطلاق می‌شود.	اشتراک معنوی	۲
اندیشه و فکر	چند لفظ متفاوت بیانگر یک معنای واحد هستند.	ترادف	۳



- مغالطه اشتراک لفظ: هرگاه در یک عبارت مشترک لفظی وجود داشته باشد و فرد به خاطر ظاهر مشترک واژه به اشتباه بیفتد و معنای نادرست و اشتباهی آن را بگیرد مغالطه «اشتراک لفظ» رخ داده است. **مثال:** او سیر است، سیر بدبو است؛ پس او بدبو است!

تله

صرف وجود مشترک لفظی در یک عبارت به معنای رخ دادن مغالطه اشتراک لفظ نیست. باید آن واژه مشترک لفظی یک معنای نادرست و غیر قابل جایگذاری داشته باشد و فرد اشتباهی آن معنا را بگیرد تا بگوییم دچار مغالطه شده و گرنه این که من در سخنانم از یک واژه مشترک لفظی مثل «شیر» استفاده کنم یا این که شاعری در شعرش از یک واژه چند معنایی (ابهام ساز) استفاده کند، لزوماً به این معنا نیست که مغالطه رخ داده است!



با توجه به تله فوق می‌توانیم حالت‌های قطعی رخ دادن مغالطه اشتراک لفظ را به صورت زیر دسته‌بندی کنیم:

نکته

مغالطه اشتراک لفظ در دو حالت رخ می‌دهد:

- ۱) مشترک لفظی در یک عبارت دو بار به معانی متفاوتی تکرار شود اما فرد اشتباهی آن دو مشترک لفظی را به یک معنا بگیرد.
- ۲) فردی یک واژه مشترک لفظی را به معنای دیگری غیر از معنای صحیح آن در جمله فهم کند و ظاهر آن واژه او را به اشتباه ببیند.



با توجه به نکاتی که مطرح کردیم باید دو نوع سؤال را از هم تفکیک کنیم. این دو سؤال یکی نیستند.

مشابهت

به تفاوت دو پرسش زیر دقت کنید!

- در کدام عبارت مغالطه اشتراک لفظ رخ داده است / وجود دارد؟
- کدام عبارت می‌تواند زمینه‌ساز وقوع مغالطه اشتراک لفظ شود؟

در عبارتی که پاسخ پرسش اول باشد فرد دقیقاً دچار مغالطه شده و برای یک واژه مشترک لفظی - به خاطر ظاهر یکسان آن - معنای نادرستی را اتخاذ کرده است و مغالطه رخ داده است. اما عبارتی پاسخ گزینه دوم است که در آن یک مشترک لفظی وجود دارد که دارای ابهام است و ما نمی‌توانیم منظور دقیق گوینده را به یقین بفهمیم. برای مثال در عبارت «در این عهد وفا نیست» چندان قرینه و نشانه‌ای دیده نمی‌شود و فرد نمی‌تواند بین دو معنای «عهد» (قول و پیمان - روزگار) یکی را بر دیگری ترجیح دهد.



بعد از فهمیدن تفاوت دو حالت بالا باید به این نکته هم دقت کنید که زمینه‌ساز شدن برخی جملات برای رخ دادن مغالطه اشتراک لفظ ممکن است به یک اندازه نباشد. ممکن است در یک جمله قرینه‌ها و نشانه‌هایی وجود داشته باشند که معنای درست مشترک لفظی را برجسته‌تر کنند و از میزان احتمال دچار شدن مخاطب به مغالطه اشتراک لفظ بکاهند. برای مثال در عبارت «روزی راننده‌ای به پیچی رسید» ابهام وجود دارد و معنای «پیچ» به‌طور قطعی مشخص نیست و احتمال رخ دادن مغالطه اشتراک لفظ وجود دارد؛ اما در جمله «روزی راننده‌ای به پیچی رسید، خم شد و آن را برداشت» عبارت «خم شد و آن را برداشت» باعث می‌شود که به سمت معنای درست هدایت شویم و اشتباهی پیچ جاده را از عبارت استنباط نکنیم. این قرینه باعث می‌شود احتمال وقوع اشتراک لفظ در این عبارت کمتر باشد یا اصلاً بگوییم احتمال مغالطه وجود ندارد.

نکته

اسامی خاص اگر جدای از اسم خاص بودنشان یک معنای لغوی داشته باشند می‌توانند زمینه‌ساز اشتراک لفظ شوند. (درواقع این معنای اسم خاص از معانی مستقل خود واژه به شمار می‌رود نه از اقسام دلالت آن! پس اگر هم مغالطه‌ای رخ دهد اشتراک لفظ است، نه توسل به معنای ظاهری که در ادامه می‌خوانیم.)

مثال: علی: ۱- نام انسان ۲- بلندمرتبه آزادی: ۱- نام میدان یا خیابان، ۲- رهایی از قید و بند ابله: ۱- نام کتاب داستایوفسکی ۲- نادان



البته توجه کنید که مشترک لفظی فقط اسم نیست بلکه در هر نوع کلمه می‌توانیم مشترک لفظی بیابیم. مشترک لفظی می‌تواند حرف باشد (مثلاً «با»):
 ۱ به وسیله ۲ همراه) یا ممکن است فعل باشد (برای مثال کتاب درسی فعل «توانستن» که می‌تواند به معنای ۱ قادر بودن ۲ اجازه داشتن و ... است را مشترک لفظی گرفته است).

- مولوی درباره مغالطه اشتراک لفظ می گوید «← اشتراک لفظ دائم رهن است»
- خواجه نصیرالدین طوسی هم در «اساس الاقتباس» نوشته است «← باید دانست که مغالطه به الفاظ بیشتر از آن باشد که به معانی و اکثر مغالطات لفظی به اشتراک اسم بود.»

در نهایت این فهرست نمونه کلمات مشترک لفظی می تواند راهنمای کارتان باشد و یک دور مطالعه آن خالی از لطف نیست:

کامل ترین لیست نمونه کلمات و عبارات مشترک لفظی	
با: ۱ به وسیله ۲ به همراه ۳ همزمان	شیرین: ۱ نوعی طعم ۲ معشوقه خسرو و فرهاد ۳ خوب و خوشایند
شیر: ۱ حیوان جنگل ۲ مایع لبنی خوراکی ۳ شیر آب	پیچ: ۱ خم و تاب ۲ پیچ جاده ۳ ابزار فلزی دنداندار
سیر: ۱ متضاد گرسنه ۲ نوعی پیازچه	کاری: ۱ نوعی ادویه ۲ اهل کار و تلاش
توانستن: ۱ قادر بودن ۲ بلد بودن ۳ اجازه داشتن	فرد: ۱ مقابل زوج ۲ شخص، کس
دو ساعته: ۱ طی دو ساعت ۲ دارای دو عدد ساعت	پیاده: ۱ متضاد سوار ۲ نوعی از سربازان ۳ مهره شطرنج
بو: ۱ رایحه، عطر ۲ امید، آرزو	عهد: ۱ زمان، روزگار ۲ پیمان، قول، وعده
هوا: ۱ آنچه تنفس می شود ۲ عشق، هوس	نگران: ۱ دلواپس ۲ نگاه کننده
روان: ۱ روح، ذهن ۲ جاری	شکر: ۱ ماده شیرین ۲ همسر خسرو پرویز
روی: ۱ چهره ۲ نوعی فلز	دُور: ۱ اطراف ۲ گردش جام شراب ۳ زمانه ۴ تسلسل
دور از: ۱ در حالت دوری و فراق از ... بودن ۲ دور از جان ...	چین: ۱ کشور چین ۲ پیچ و تاب
ورق: ۱ کاغذ ۲ برگ گل	مدام: ۱ شراب ۲ همیشگی
قانون: ۱ قاعده و مقررات ۲ اسم کتاب ابن سینا در علم طب ۳ نوعی آلت موسیقی	شفا: ۱ صحت و سلامتی ۲ اسم کتابی از ابن سینا
عکس گرفتن: ۱ عکس برداری کردن از چیزی ۲ دریافت و گرفتن عکس	مهر: ۱ عشق، محبت ۲ خورشید ۳ نام یکی از ماه های پاییز
قلب: ۱ دل، فؤاد ۲ میانه لشکر ۳ سکه تقلبی	دستان: ۱ دست ها ۲ حيله، مکر ۳ لقب زال پدر رستم
رُخ: ۱ چهره ۲ مهره شطرنج	ماه: ۱ قمر ۲ سی روز سال
لب: ۱ عضو بدن ۲ کنار	دیدار: ۱ دیدن ۲ چهره
دیده: ۱ آن چه دیده شده ۲ چشم ۳ فعل از مصدر «دیدن»	مردم: ۱ مردمک چشم ۲ آدمیان
آب: ۱ مایع شفاف ۲ آبرو	تاب: ۱ پیچ و خم ۲ گرما ۳ تب و تاب و شور ۴ عصبانیت
سیاه دل: ۱ بی رحم ۲ چیزی که میانه اش سیاه است	نگاه: ۱ دیدن ۲ حفظ کردن، مراقبت ۳ پوشاندن
آهو: ۱ غزال ۲ ایراد ۳ بیمار	پرده: ۱ ستر و حجاب ۲ اصطلاح موسیقی ۳ پرده نمایش ۴ صحنه نقاشی
راه: ۵ مسیر ۶ نغمه	عشاق: ۷ عاشقان ۸ نغماری در موسیقی
نوا: ۱ ساز و چاره ۲ دستگاه موسیقی ۳ آذوقه، ثروت ۴ رونق	شور: ۱ هیجان ۲ مزه نمکین ۳ دستگاه موسیقی

چنگ: ۱ سرپنجه ۲ نوعی آلت موسیقی	نواختن: ۱ نوازش کردن ۲ ساز زدن
زدن: ۱ ضربه زدن ۲ ساز زدن	وجه: ۱ صورت، چهره ۲ حالت ۳ پول
میان: ۱ کمر ۲ وسط	عود: ۱ چوبی که اگر بسوزانند بوی خوش دارد ۲ نوعی آلت موسیقی
کنار: ۱ نزدیک ۲ آغوش، بغل ۳ ساحل دریا	کام: ۱ دهان ۲ آرزو
باب: ۱ رایج ۲ درب	شام: ۱ شب ۲ کشور شام
بند: ۱ وسیله بستن ۲ معضل ۳ فعل امر از مصدر «بستن»	مگر: ۱ به امید این که ۲ شاید
که: ۱ حرف ربط ۲ چه کسی؟	گور: ۱ قبر ۲ گور خر
تار: ۱ دانه مو ۲ تاریک و مبهم ۳ نوعی آلت موسیقی	دوش: ۱ دیشب ۲ شانه
افتاده: ۱ بر زمین افتاده ۲ متواضع و فروتن	بادیه: ۱ صحرا ۲ حمراب
بار: ۱ اجازه ورود ۲ دفعه، مرتبه، ۳ محموله ۴ میوه و محصول	باز: ۱ پرندۀ شکاری ۲ دوباره ۳ گشاده، وا
خویش: ۱ خویشاوند ۲ خود	آهنگ: ۱ قصد ۲ صدا و موسیقی ۳ لطف نمودن
داد: عدل، ۱ حق، انصاف ۲ فریاد ۳ فعل از مصدر «دادن»	پروانه: ۱ اجازه ۲ راهنما ۳ نوعی حشره
طاق: ۱ سقف گنبدی ۲ طاقچه ۳ عدد فرد (مقابل جفت) ۴ تنها و جدا	جفت: ۱ عدد زوج (مقابل طاق) ۲ دو تا ۳ همنشین و دوست ۴ همسر

در کدام گزینه مغالطۀ اشتراک لفظ دیده می‌شود؟



- ۱) اواز دوستش عکس‌های بسیاری گرفت.
 ۲) چه بسیار عشاق که دل در گرو نغمۀ عشاق دارند.
 ۳) اگر این ساز عود باشه باید با سوزاندن آن بوی خوشی بیاید.
 ۴) دلم بی‌تابانه از سینه بیرون شد و تا چین زلف او به پرواز درآمد.

پاسخ: در این تست فهمیدن صورت سؤال قبل از هر چیزی اهمیت دارد. سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که مغالطۀ اشتراک لفظ دارد. پس صرف وجود کلمۀ چند معنایی لزوماً به معنای رخ دادن مغالطۀ اشتراک لفظ نیست. زمانی می‌توانیم بگوییم عبارتی مغالطۀ اشتراک لفظ دارد که گویندۀ به خاطر ظاهر مشترک و یکسان لفظ معنای نادرست یک مشترک لفظی را بگیرد. حالا ببینید گزینه‌های تست بررسی کنیم. در گزینه اول عبارت «عکس‌های بسیاری گرفت» دو معنای می‌تواند داشته باشد. یکی برداشت تصویر و عکس از کسی و دیگری دریافت کردن چند قطعه عکس. پس این عبارت زمینه‌ساز اشتراک لفظ است اما لزوماً مغالطه در آن رخ نداده است. در گزینه دوم واژه عشاق دو بار با دو معنای متفاوت به کار برده شده است (۱- جمع عاشق ۲- نغمه‌ای و موسیقی). اما لزوماً مغالطه در آن رخ نداده است. اما در گزینه سوم گویندۀ دو معنای واژه «عود» را با هم خلط کرده است. عود با معنای دیگری عبارتست از چوبی که وقتی می‌سوزد بوی خوش می‌دهد، نه به معنای ساز. پس این عبارت اشتراک لفظ دارد و پاسخ تست است. در عبارت گزینه چهارم واژه «چین» ایهام دارد و هر دو معنای آن قابل جایگذاری است. (۱- خم زلف ۲- تشبیه زلف به کشور چین از جهت دوری) پس هر کدام از معانی را بگیریم قابل قبول است و این عبارت حتی زمینه‌ساز اشتراک لفظ هم نمی‌شود.

۳ نحوه دلالت لفظ بر معنا در جملات

مادر بخش قبلی با رابطه لفظ و معنا آشنا شدیم و فهمیدیم که الفاظ به شکل قرارداد زبانی به یک سری معانی در ذهن ما ارجاع می‌دهند اینجا خود همین رابطه لفظ و معنا را بررسی می‌کنیم و می‌بینیم که یک لفظ که به معنای خاص ارجاع می‌دهد، ممکن است این ارجاع را به سه حالت متفاوت انجام دهد. به این سه حالت متفاوت رابطه یک لفظ با معنایش اقسام دلالت می‌گوییم. به مثال کتاب درسی درباره لفظ خانه و معنای آن دقت کنید:

- ۱) خانه‌ام را فروختم ۲) خانه‌ام را رنگ زدم ۳) خانه‌ام را دزد برد.

- در مثال اول مقصود از «خانه» معنای اصلی آن است و این لفظ بر کل خانه دلالت می‌کند. به این دلالت، «دلالت مطابقی» می‌گویند.
- در مثال دوم مقصود کل خانه نیست، بلکه لفظ «خانه» بر «بخشی از خانه» (مثلاً دیوارهای آن) دلالت می‌کند. این دلالت، «دلالت تضمنی» است.
- در مثال سوم مقصود از لفظ «خانه» نه کل آن است، نه بخش یا جزء تشکیل‌دهندۀ آن، بلکه منظور لوازم و ادواتی است که همراه خانه و در خانه هستند. به این دلالت لفظ بر معنا «دلالت التزامی» گفته می‌شود.

تله



مقصود از دلالت تضمینی- هنگامی که می‌گوییم منظور نه کل آن چیز، بلکه بخشی از آن است (که دو حالت است: یا جزء سازنده مصداق آن و یا بخشی از مفهوم آن است). مثلاً شاید یکی بگوید که وسایل خانه هم بخشی از خانه هستند. اما اینطور نیست. وقتی می‌گوییم «بخشی از آن» منظور جزئی است که سازنده آن چیز است یا بخشی از مفهوم و معنای آن است. خانه بدون وسایل هم باز خانه است. کلاس بدون دانش‌آموزان هم باز کلاس است. پس اگر منظورمان از گفتن خانه، وسایل خانه و منظورمان از گفتن کلاس، دانش‌آموزان حاضر در کلاس باشد، دلالت تضمینی نیست و التزامی است.



پس اگر اقسام دلالت را جمع‌بندی کنیم، می‌توانیم آن را بدین صورت بیان کنیم:

- اقسام دلالت
- مطابقی ← لفظ بر کل معنا و مصداق آن دلالت می‌کند.
 - تضمینی ← لفظ بر بخشی از معنای مفهوم یا بخشی از (جزء سازنده) مصداق اصلی دلالت می‌کند.
 - التزامی ← لفظ بر معنایی جدای از معنای اصلی یا امری خارج از آن مصداق ولی مرتبط و همراه با آن دلالت می‌کند.

نکته



پس به طور کلی یا از گفتن لفظی منظورمان کل آن معنا است که دلالت مطابقی می‌شود. یا منظورمان جزء سازنده آن است که دلالت تضمینی می‌شود. یا چیزی غیر از این دو حالت است که همگی ذیل دلالت التزامی قرار می‌گیرند.



آنچه از بحث اقسام دلالت می‌خوانید را سراسر به معنای رابطه لفظ با مصداق نگیرید. محوریت با معناست!

فرا تحلیل



همانطور که می‌دانید عنوان این مبحث اقسام دلالت «لفظ» بر «معنا» است. پس اینجا آنچه که در تشخیص دلالت محوریت دارد، نسبت معنای مورد نظر گوینده با معنای اصلی لفظ است. برای مثال در دلالت تضمینی باید به یک حالت خیلی دقت کنید؛ اگر فرد بگوید «انسان» و منظورش «حیوان» باشد، چه دلالتی است؟ در کتاب‌های فلسفه و منطق کنکور متأسفانه دیده‌ام چون روی این بحث اقسام دلالت کار نکرده‌اند و مؤلفانش آن را نفهمیده‌اند، کل بحث دلالت تضمینی را این می‌دانند که منظور فرد بخشی از مصداق مفهوم اصلی است. اینجا چون «حیوان» بخشی از مصداق «انسان» نیست (به این حالت که دستان او، پاهای او و ... بخشی از او هستند)، پس دلالت تضمینی نیست. اما این غلط است. این دلالت تضمینی است. دقت کنید که درستش را همان اول کار برایتان گفتم. هر چند یک حالت دلالت تضمینی این است که منظور گوینده، بخشی از (جزء سازنده) مصداق اصلی باشد، اما یک حالت دیگر آن این است که آن معنا بخشی از معنای اصلی لفظ گوینده باشد؛ یعنی جزئی از مفهوم و معنای آن (= تعریف آن) باشد، نه جزئی از مصداق آن. پس اگر بگویید انسان و منظورش حیوان باشد، دلالت تضمینی است. چون حیوان هرچند بخشی از مصداق انسان نیست، ولی بخشی از مفهوم انسان است و آنچه اینجا مهم است تداخل مفهومی «حیوان» نسبت به «انسان» است. به عبارات زیر از ابن سینا دقت کنید و ببینید دلالت تضمینی را چگونه توضیح می‌دهد: «إما علی سبیل التضمن بأن یكون المعنی جزء من المعنی الذی یطابقه، مثل دلالة المثلث علی الشكل» (و یا دلالت لفظ بر معنا به شیوه تضمینی است به نحوی که معنی آن بخشی از معنی اصلی و مطابقی است. مانند دلالت مثلث بر شکل).

همچنین در منطق مظفر آمده است: «التضمن: کدلالة لفظ الكتاب علی الورق وحده أو الغلاف. و کدلالة لفظ الإنسان علی الحيوان وحده أو الناطق وحده» (تضمن: مانند دلالت لفظ کتاب بر ورق یا جلد آن. و مانند دلالت لفظ انسان بر صرف حیوان و یا صرف ناطق) پس به این مورد خاص که این هم دلالت تضمینی محسوب می‌شود دقت کنید. چون در همه کتب کمک آموزشی دیگر یا اصلاً گفته نشده یا غلط گفته شده است.



آن چه اینجا از اقسام دلالت مطرح کردیم را با بحث قبلی اشتراک لفظ قاطی نکنید. اقسام دلالت لفظ بر معنا با معانی گوناگون یک لفظ فرق می‌کند. به باکس زیر دقت کنید.

تله

آنچه در اشتراک لفظ بررسی کردیم این بود که یک لفظ ممکن است معانی مختلف و متفاوتی داشته باشد و به چند معنا ارجاع دهد. اینجا با اقسام دلالت‌ها و حالت‌های که یک لفظ با یک معنای واحد دارد سروکار داریم، نه معانی مختلف یک لفظ. برای مثال معنای لفظ «خانه» مشخص است، اما ممکن است از همین معنای واحد دلالت‌های دیگری قصد شود و همین معنای واحد به حالت‌ها و منظوره‌ای گوناگونی به کار برده شود.



حالا که با اقسام دلالت آشنا شدیم بهتر است که چند آرایه ادبی مهم در درس ادبیات را بررسی کنیم. تا اگر در تست‌ها با بیت و با متن ادبی مواجه شدید یا این که مستقیم مورد سؤال قرار گرفتند از پس آن‌ها بریاید.

پرسش

در ادبیات فارسی خوانده‌ایم که آرایه‌های ادبی استعاره، مجاز و کنایه، هر سه حالتی هستند که گوینده لفظی را در سخنش به کار می‌برد اما منظور او خود معنای اصلی آن لفظ نیست بلکه معنای دیگری مد نظرش است. در این آرایه‌ها با کدام یک از اقسام دلالت سروکار داریم؟



پاسخ: بیایید اقسام دلالت را در هر یک از این آرایه‌های ادبی بررسی کنیم:

استعاره ← در استعاره بین معنای اصلی لفظ و معنایی که گوینده مد نظر دارد رابطه شباهت برقرار است. یعنی گوینده لفظی را به کار می‌برد اما منظورش معنای اصلی و مطابقی آن نیست بلکه منظورش چیزی است که به آن شباهت دارد. مثلاً می‌گوید «ماه» اما منظورش خود ماه نیست بلکه معشوق و زیبارویی است که مانند ماه زیباست. پس دلالت لفظ بر معنا در این جا نه مطابقی و نه تضمنی، بلکه التزامی است.

کنایه ← در کنایه فرد عبارتی را بیان می‌کند اما منظورش به جای معنای اصلی و مطابقی آن، چیزی است که عبارت ذکر شده، «نشانه‌ای از آن»، «نمونه‌ای از آن» یا «مرحله‌ای از آن» است. مثلاً می‌گوید «دست و پایش می‌لرزد» اما مقصود اصلی او تکان خوردن دست و پای فرد نیست بلکه ترسیدن او است. آنچه بیان کرده نشانه‌ای از مقصود مورد نظرش است. در کنایه هم با دلالت التزامی روبه‌رو هستیم.

مجاز ← مجاز را اما می‌توان در دو حالت دسته‌بندی کرد. یک حالت آن دلالت تضمنی است و مابقی حالت‌های آن معمولاً دلالت التزامی هستند. یک مجاز داریم داریم تحت عنوان «مجاز با علاقه کلیه» که یعنی کل یک چیز را می‌گوییم ولی منظورمان بخشی از آن است. این همان دلالت تضمنی است. مثلاً فرد می‌گوید «خانه» ولی منظورش فقط «دیوارهای خانه» است یا می‌گوید «دست» ولی فقط منظورش «انگشتان دست» است. مابقی حالت‌های مجاز همگی معمولاً دلالت التزامی هستند. مگر این که بخشی از معنا و تعریف مفهوم اصلی باشد، که در آن حالت هم تضمینی محسوب می‌شود.

با توجه به مواردی که ذکر شد، به تله زیر خیلی توجه کنید!



اگر کل را بگوییم و منظورمان جزئی و بخشی از آن باشد، دلالت لفظ بر معنا «تضمنی» است. اما برعکس این مورد صادق نیست. اگه بخشی و جزئی از چیزی را بیان کنیم و منظورمان کل آن چیز باشد معمولاً دلالت «التزامی» است، نه تضمنی! مگر در یک سری موارد خاص که آن کل جزئی از مفهوم و معنای (= تعریف) آن چیز باشد. که در این حالت باز هم تضمینی می‌شود.

هر چند شناخت حالت‌های مختلف مجاز و دانستن فرق آن‌ها به دانش ادبی برمی‌گردد، ولی چون می‌خواهم همه چیز را کامل و دقیق یاد بگیرم و هیچ مشکلی برایتان پیش نیاید، این قسمت را نوشتم که در آن تمامی حالت‌های ممکن مجاز را برایتان بررسی کردیم. اگر علاقه داشتید حتماً علاقه‌های مجاز را یاد بگیرید! علاقه‌های مجاز به شرح زیر هستند:

(علاقه مجاز، یعنی رابطه‌ای که بین معنای اصلی لفظ و معنای مورد نظر گوینده برقرار است. بین این علاقه‌ها علاقه «کلیه» دلالت تضمنی و سایرین معمولاً دلالت التزامی می‌باشند.)

نام علاقه	توضیح	مثال	بررسی دلالت
۱ محلیت (جایگاهی)	به کار رفتن مکان چیزی به جای خود آن	ناگهان همه‌ی کلاس ساکت شدند.	منظور از کلاس، دانش‌آموزان کلاس است و دلالت التزامی است.
۲ جزئیت	به کار رفتن جزء یا بخشی از چیزی به جای کل آن	چشم‌های زیادی او را زیر نظر داشتند.	منظور از چشم، انسان‌های زیادی است و دلالت التزامی است.
۳ کلیت	به کار رفتن کل چیزی به جای جزء یا بخشی از آن	سرم درد می‌کند.	منظور فقط بخشی از سر مثل مغز است، وگرنه چانه، بینی، لب، گوش و ... هم بخشی از سر هستند. این علاقه مجاز دلالت تضمنی محسوب می‌شود.
۴ جنسیت	به کار رفتن جنس و ماده‌ی سازنده‌ی چیزی به جای خود آن	بدان آهن که او سنگ آزمون کرد / تواند بیستون را بی‌ستون کرد	منظور از آهن، تیشه فرهاد است و دلالت التزامی است.
۵ آلیت (وسیله‌ای)	به کار رفتن ابزار انجام دادن چیزی به جای خود آن	قلم نافذ و تأثیرگذاری داشت.	منظور از قلم نویسندگی زیبا و تأثیرگذار او است و دلالت التزامی است.
۶ سببیت (علیت)	به کار رفتن سبب و علت چیزی به جای خود آن (معلول)	از دست تو چیکار کنم؟!	منظور از دست، کارها و رفتارهای آن فرد است و دلالت التزامی است.
۷ معلولیت	به کار رفتن معلول و نتیجه‌ی چیزی به جای خود آن (علت)	آب رو ببند!	منظور از بستن آب، بستن شیر آب است و دلالت التزامی است.
۸ عامیت	به کار رفتن واژه‌ای عام و اراده کردن یک مورد خاص از آن	پیامبر فرمود	منظور از پیامبر این است که حضرت محمد (ص) فرمود (که یکی از پیامبران است) و این دلالت التزامی است.
۹ خاصیت	به کار رفتن واژه‌ای خاص و اراده کردن معنای عام که آن را دربرمی‌گیرد	هیچ‌گاه مجنون به سرمزل لیلی نخواهد رسید.	منظور از مجنون، نه یک شخص خاص بلکه عاشق به طور کلی و منظور از لیلی نه یک شخص خاص بلکه معشوق به طور کلی است. دلالت این دو واژه التزامی است.

تذکر مهم: به تفاوت عام و خاص و کل و جزء دقت کن! در عام و خاص معمولاً موضوع انسان است و در کل و جزء غیر انسان. ثانیاً در کل و جزء منظور از جزء و امر خاص، جزء سازنده و جزء ساخته یک چیز است. ولی در عام و خاص مصداقی خاص از آن وصف کلی. در عام و خاص اگر آن معنای مورد نظر گوینده بخشی از معنای مفهوم اصلی و مطابقی باشد، دلالت دیگر التزامی نیست و تضمنی است. مثلاً بگوید مثلث ولی منظورش شکل باشد.

۱۰	ما کان	به کار رفتن اسم و حال و صفت سابق کسی یا چیزی به جای وضع کنونی آن	ای خاک! آفریننده‌ی خود را فراموش نکن و ستمگری نکن!	منظور از خاک، نوع انسان و بشر است و دلالت التزامی است.
۱۱	ما یکون	به کار رفتن اسم و حال و صفت آینده‌ی کسی یا چیزی به جای وضع کنونی آن	اگر به دانشجوی پزشکی بگوییم چطوری دکتر؟!	منظور از دکتر، دانشجوی پزشکی است که قرار است در آینده دکتر شود و دلالت التزامی است.
۱۲	مجاورت	به کار رفتن واژه‌ای به جای واژه‌ای دیگر به سبب مجاورت و نزدیکی و همراهی	صبح طلوع کرد.	منظور از صبح، خورشید است و دلالت التزامی است.
۱۳	قومیت (خویشاوندی)	به کار رفتن نام خویشاوند فردی به جای خودش	ای که نصیحتم کنی کز پی او دگر مرو / در نظر سبکتین عیب ایاز می‌کنی	در داستان‌ها آمده محمود غزنوی عاشق ایاز می‌شود. در اینجا شاعر نام سبکتین پدر محمود غزنوی را آورده و دلالت التزامی است.
۱۴	تضاد	به کار رفتن متضاد واژه‌ای به جای خود آن	قرآن می‌فرماید: فبشرهم بعذاب الیم	در اینجا منظور از بشارت دادن (خبر خوب) انذار دادن (خبر بد) است و دلالت التزامی است.
۱۵	بدلیت	به کار رفتن بدل واژه‌ای به جای خود آن	خونش به گردن توست!	منظور از خون، دیه و خون‌بها است و دلالت التزامی است.
۱۶	غلبه	مجازی است که در آن اقلیت را به نام اکثریت بخوانند	فلانی مرد این کار نیست.	منظور از مرد، بطور کلی آدم است و دلالت التزامی است.

حالا که همه چیز را در تشخیص انواع دلالت‌ها یاد گرفته‌ای، آماده‌ای که یک تمرین خوب با هم داشته باشیم؟!

تمرینات

نوع دلالت را در کلمات مشخص شده تعیین کنید.

- | | |
|---|---|
| ۱ دست در حلقه‌ی آن زلف دو تا نتوان کرد | ۶ شور فرهاد کجا کم شود از پاسخ تلخ؟ |
| ۲ سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی | ۷ چون آینه، جان نقش تو در دل بگرفته‌است |
| ۳ نه هر که سر بتراشد قلندری داند | ۸ اشک حافظ خرد و صبر به دریا انداخت |
| ۴ همه مستی خلق از ساغر و پیمانه می‌خیزد | ۹ کریمان را به دست اندر درم نیست |
| ۵ به یاد روی شیرین بیست می‌گفت | ۱۰ آه از آن نرگس جادو که چه بازی انگیخت |

پاسخ تمرینات

- منظور از «دست»، «انگشتان دست» است. پس دلالت تضمینی است.
- منظور از «سر»، «قصد، فکر و اندیشه» است. پس دلالت التزامی است.
- منظور از «سر»، «موی سر» است. پس دلالت تضمینی است.
- منظور از «سافر» و «پیمانه»، «شراب داخل آن» است. پس دلالت التزامی است.
- منظور از «بیت»، «شعر به طور کلی» است. پس دلالت التزامی است.
- منظور از «شور» همان معنای اصلی آن یعنی «تب و تاب» است. پس دلالت مطابقی است. (توجه کنید که چند معنایی بودن واژه شور ربطی به بحث اقسام دلالت ندارند.)
- منظور از «آینه» همان معنای اصلی آن است و جان را به آن تشبیه کرده است. پس دلالت مطابقی است.
- عبارت «به دریا انداخت» کنایه از این است که «نابود کرد و از بین برد». پس دلالت التزامی است.
- منظور از «درم» (درهم)، «پول و ثروت به طور کلی» است. پس دلالت التزامی است.
- منظور از «نرگس»، «چشمان معشوق» است که از جنبه‌ی خماری به گل نرگس مانند شده است. پس استعاره و دلالت التزامی است.

حالا وقتش است با بررسی یک تست خیلی خوب کار را تمام کنیم!

در کدام گزینه هر سه نوع دلالت لفظ بر معنا دیده می‌شود؟



- هنگامی که به خانه برگشتم دیدم که همه چراغ‌ها خاموش هستند.
- چه بتان زیبایی که دوره جوانی و شادابی را سپردند و آخر سر به خاک نهادند.
- ماشینم در حال تعمیر بود به همین خاطر کمر همت بستم که خودم را به اتوبوس برسانم.
- می‌دانستم که عصبانیت او علتی داشت اما هر چقدر این پا و آن پا کردم ترسیدم که از او بپرسم.

پاسخ: تست بسیار مفصلی است که چون باید همه کلمات همه گزینه‌ها را بررسی کنیم، نیاز به دقت نظر زیادی دارد. در گزینه اول همه دلالت‌ها (از جمله دلالت «خانه» و «چراغ») مطابقی است. در گزینه دوم «بت» استعاره است و «خاک» نیز مجاز از زمین است و دلالت این دو التزامی است. واژه‌های «جوانی» و «شادابی» و ... نیز دلالت مطابقی دارند. اما در این گزینه دلالت تضمینی به چشم نمی‌خورد. در گزینه سوم، «ماشین» دلالت تضمینی دارد و منظور بخشی از ماشین (مثلاً موتور آن) است. همچنین «کمر همت بستن» کنایه است و دلالت التزامی دارد. واژه‌ای مانند «اتوبوس» هم دلالت مطابقی دارد. پس در این گزینه هر سه نوع دلالت لفظ بر معنا دیده می‌شود. در گزینه چهارم نیز دلالت تضمینی دیده نمی‌شود و تنها عبارت «این پا و آن پا کردن» کنایه است و دلالت التزامی دارد. مابقی الفاظ دلالت مطابقی دارند.

۴ مغالطه‌توسل به معنای ظاهری

- تعریف مغالطه‌توسل به معنای ظاهری ← هرگاه فردی لفظ یا عبارتی را که معنای مطابقی ندارد (یعنی تضمینی یا التزامی است) اشتباهاً به معنای مطابقی بگیرد دچار مغالطه‌توسل به معنای ظاهری شده است.

مثال ۱: فردی می‌گوید: برویم رستوران من حساب می‌کنم! آخر سر می‌گوید حساب کرده‌ام! می‌شود ۵۰۰ تومان! بروید پرداخت کنید!

مثال ۲: محمدشاه قسم خورده بود خون قائم مقام فراهانی را نریزد. بنابراین دستور داد او را خفه کنند!

تله

متأسفانه حتی در برخی منابع معروف و پرخروش فلسفه و منطق دیده‌ایم که تعریف مغالطه توسل به معنای ظاهری را، که اصل کار در این بخش است غلط و نادقیق بیان کرده‌اند. توجه کنید که مغالطه توسل به معنای ظاهری زمانی رخ می‌دهد که عبارت مورد نظر دلالت درست و اصلیش غیرمطابقی (تضمنی و التزامی) باشد و فرد اشتباهاً مطابقی بگیرد. اما برعکس این مورد صادق نیست! این که فرد یک دلالت مطابقی را اشتباهاً تضمنی یا التزامی بگیرد شاید اشتباه و مغالطه باشد، اما دیگر مغالطه توسل به معنای ظاهری (مطابقی) ندارد. باید عبارت معنای ظاهری (مطابقی) نداشته باشد تا مطابقی گرفتن آن مغالطه محسوب شود!



پس به تفاوت دو مثال دقت کنید:

- فردی می‌گوید امروز سرم را تراشیدم، فرد دیگری پاسخ می‌دهد سرت که هنوز سر جایش است! ← فرد دلالت تضمنی سر (به معنای موس سر) را مطابقی گرفته است ← مغالطه توسل به معنای ظاهری
- فردی می‌گوید خانه‌ام را به ۴ میلیارد فروختم، دیگری پاسخ می‌دهد، تو که کلاً یک یخچال داشتی، چقدر گران! ← اینجا دلالت خانه مطابقی است. اما فرد به دلالت التزامی (وسایل خانه) گرفته ← این هم اشتباه است. اما دیگر اسمش توسل به معنای ظاهری نیست!

نکته

همانند مغالطه اشتراک لفظ در توسل به معنای ظاهری هم می‌توانیم بین دو دسته سؤال فرق قائل شویم:

- ۱ کدام عبارت دارای مغالطه توسل به معنای ظاهری است؟ ← عباراتی را انتخاب می‌کنیم که در آن فردی یک دلالت غیر مطابقی (تضمنی و التزامی) را به اشتباه مطابقی گرفته است.
- ۲ کدام عبارت می‌تواند زمینه‌ساز مغالطه توسل به معنای ظاهری شود؟ ← ما گفتیم که توسل به معنای ظاهری یعنی به اشتباه مطابقی گرفتن لفظی که دلالت آن مطابقی نیست (یعنی تضمنی و التزامی است). پس می‌توانیم نتیجه بگیریم که:

نتیجه تنها عباراتی می‌توانند زمینه‌ساز مغالطه توسل به معنای ظاهری شوند که در آن‌ها دلالت غیرمطابقی (تضمنی و التزامی) وجود داشته باشد. اگر همه دلالت‌های یک عبارت سراسر مطابقی باشند پس آن عبارت حتی نمی‌تواند زمینه‌ساز مغالطه توسل به معنای ظاهری شود.



حالا یک تست خوب از مغالطه توسل به معنای ظاهری!

همه گزینه‌ها دارای مغالطه توسل به معنای ظاهری هستند، بجز ...

- ۱) نیما سرش درد نمی‌کند، زیرا فقط دور آن را دستمال پیچیده است!
- ۲) او قلم زیبا و تأثیرگذاری ندارد، قلم هر دوی ما یک مارک ارزان قیمت است!
- ۳) فلانی مرد این کار نیست. دلیلش هم معلوم است. او یک زن است!
- ۴) کلاس جای درس دادن است نه این که وقت کلاس را با حرف‌های بیهوده تلف کنی!

پاسخ: صرف وجود دلالت‌های گوناگون برای رخ دادن مغالطه توسل به معنای ظاهری کافی نیست. برای رخ دادن این مغالطه فقط یک حالت خاص باید پیش بیاید و آن این است که فرد لفظی که دلالت تضمنی یا التزامی دارد را به اشتباه مطابقی بگیرد. لفظ «سر» در گزینه اول دلالت تضمنی دارد ولی مخاطب آن را به معنای مطابقی (کل سر) گرفته و دچار مغالطه توسل به معنای مطابقی (خود قلم و خودکار) گرفته و مرتکب توسل به معنای ظاهری شده است. در گزینه سوم لفظ «مرد» دلالت التزامی دارد و یعنی «انسانی که قادر به انجام کاری است». اما گویند آن را به معنی مطابقی «زن نبودن» گرفته و دچار مغالطه توسل به معنای ظاهری شده است. اما در گزینه چهارم مغالطه‌ای صورت نگرفته است و لفظ «کلاس» صرفاً یک بار دلالت مطابقی و در جای دیگر دلالت التزامی دارد.



۵ شیوه نگارش کلمات

- انتقال معانی و مفاهیم به دیگران ← از طریق الفاظ و زبان صورت می‌گیرد ← زبان دو صورت دارد. ۱ شفاهی ۲ کتبی
- در صورت کتبی زبان هم عوامل بسیاری به خود سخن اضافه می‌شود که می‌توانند زمینه‌ساز بروز مغالطه شوند.
- «مغالطه نگارشی کلمات» ← مغالطه‌ای است که در اثر عدم رعایت دقیق قواعد نوشتار پدید می‌آید.

تله

کتاب در ابتدای این بخش ذکر کرده که معانی به دو صورت شفاهی و کتبی به دیگران منتقل می‌شوند؛ پس اشتباه در کتابت و نوشتار نیز می‌تواند سبب پدید آمدن خطا در اندیشه شود. اما دقت کنید که این بدین معنی نیست که مغالطه نگارشی کلمات در خارج از حیطه گفتار و نوشتار هم پیش می‌آید. این صرفاً مقدمه‌ای بوده که مؤلف کتاب درسی خواسته با آن بگوید که حیطه نوشتار هم مهم است. مغالطه نگارشی سراسر در حیطه نوشتار و کتابت واقع می‌شود و ربطی به زبان شفاهی ندارد.



- عوامل زمینه‌ساز بروز مغالطه نگارشی کلمات
- ۱ عدم رعایت علائم سجاوندی (نقطه، ویرگول و ...)
 - ۲ عدم رعایت حرکت‌های کلمات
 - ۳ عدم رعایت املا و دیکته درست کلمات

پرسش؟

آیا هر غلط و اشتباه نگارشی باعث رخ دادن مغالطه نگارشی کلمات می‌شود؟

پاسخ: خیر، در هر سه موردی که ذکر شد تنها هنگامی که اشتباه رخ داده در معنا مؤثر باشد مغالطه نگارشی کلمات ایجاد می‌شود. حال این تأثیر در معنا ممکن است این گونه باشد که جمله دو معنایی و دو پهلوی می‌شود یا به کل معنای جمله تغییر می‌کند و غلط می‌شود. پس هر جایی که ویرگول گذاشته نشده بود لزوماً مغالطه نگارشی نیست. یا مثلاً هر غلط املایی‌ای مغالطه نگارشی محسوب نمی‌شود. عدم حرکت‌گذاری هم تنها در کلمات هم‌نویسه لازم است (کلماتی مثل مُلک و مَلِک و ...) که ظاهرشان بدون حرکات یکسان است. آن هم فقط زمانی که هیچ قرینه‌ای در جمله نباشد و گذاشتن حرکات لازم باشد. پس این اشتباهات نگارشی برای آن که مغالطه بسازند باید در معنا تأثیرگذار باشند.



کامل‌ترین لیست نمونه کلمات هم‌نویسه و هم‌آوا

آنی	موقتی، فوری	صفیر	صدا، سوت، بانگ، فریاد
عانی	اسیر، بندی	سفیر	فرستاده، رسول، ایلچی
حسب	اصل، گوهر، نژاد، اندازه، بزرگی	عاجل	تند، سریع، چالاک، حال
حصب	آتشگیره، فروزینه، بوته، سنگریزه	آجل	آینده، مدت‌دار
قدیر	توانا	الفا	لغو کردن، ابطال، اقاله، حذف، فسخ
غدير	آبگیر، برکه، برم، تالاب، نام مکانی	القا	آموختن، تلقین
اثاث	اسباب خانه، سامان، عقار، لوازم، متاع	تهدید	ترساندن، ارباب، انداز، تخويف، ترعيب
اساس	اصل، بن، شالوده، قاعده، کنه، مناط، نهاد	تحدید	حد و مرز تعیین کردن، محدود کردن
براعت	بزرگواری، برتری، فضیلت، بلاغت	جذر	از محاسبات ریاضی، بن، پایه، ریشه
برائت	بیگناهی، بیزاری، رهایی	جزر	پایین رفتن آب دریا، غیض، کش
سمین	فربه، چاق، پرور، شحیم	غدر	تزویر، حيله، فریب، مکر، خیانت، بی‌وفایی
ثمین	ارزشمند، قیمتی، گرانبها، نفیس	قدر	اندازه، ارزش، قیمت، بزرگی، مقام، ارج
الم	داء، دردمندی، درد، تعب، رنج	نواهی	جمع ناهیه، نهی کننده، مناهی
عَلَم	بیرق، پرچم، درفش، رایت، معروف	نواحی	اطراف، اکناف، حدود، حوزه، خطه، کرانه‌ها
انتصاب	برگماري، تعیین، نصب، گماشتن	تأثیر	اثر کردن، نفوذ کردن
انتساب	نسبت داشتن / دادن، ارتباط، اتما، پیوند، خویشاوندی، وابستگی	تعییر	دشوار ساختن، تنگ گرفتن، خلاف ورزیدن
زغن	پرنده شبیه و کوچکتر از کلاغ، خاد، خرچل، زاغ، غراب، کلاغ	إثبات	تایید، ثبوت
ذقن	چانه، زنج، زنخدان	أثبات	اشخاص مورد اعتماد
ضغن	آرامیدن	أسباط	احفاد، اولاد، فرزندان، نبیرگان، نوادگان
فطرت	اصل، ذات، سرشت، طبیعت، طینت، نهاد، آفرینش	متاع	آنچه بتوان خرید یا فروخت، کالا، اسباب، مال، اثاثه، اروس، تنخواه، جنس
فترت	سستی، ضعف، سکون، کندی، وقفه	مُطاع	اطاعت شده، فرمانروا {متضاد: مطیع}
مآثر	آثار و کارهای نیکو که از شخصی مانده	طِراز	پیرامون، حاشیه، سجاف، عطف، فراویز، یراق، راه، روش، طرز، قاعده، قانون، نمط، زینت، نقش‌ونگار، ردیف، طبقه
مُعاصر	هم‌عصر، هم‌دوره، هم‌زمان، امروزی، جدید	تَرّاز	وسیله‌ی بنایی، هموار، همسطح، زینت، آرایش، زردوزی، نقش و نگار پارچه

خساست	امساک، بخل، پستی، خساست، زفتی، فرومایگی، لثامت	زَلّت	خطا، گناه، لغزش
خصاصه	نیازمندی، فقر، حاجت	ذَلّت	پستی، حقارت، خواری، فلاکت، مذلت، مهانت، نکبت، هوان
تصفیه	پاک کردن، پالودن، صاف کردن، پالایش، صافی کردن، تزکیه، تهذیب	غُزّه	پیشانی، ماه نو، اول هر چیز، برگزیده
تسویه	برابر کردن، مساوی ساختن، راست کردن، یکسان کردن	غَزّه	مغرور، فریفته، گولخورده، غافل، گستاخ، متکبر
ترجیح	اولویت، برتری، تقدم، رجحان، مزیت	استعفا	کناره گیری، عفو خواستن
ترجیه	امیدواری، رجا، امیدوارسازی، امیددهی	استیفا	حق یا مال را به طور کامل گرفتن، کاری را به طور کامل انجام دادن، حق چیزی را ادا کردن
عِذار	چهره، رخ، روی، سیما، عارض، گونه، وجه	حَرس	پاسبان، نگهبان، نگهبانان {جمع و مفرد}
إِزار	شلوار، قطیفه، لنگ، پیجامه، تنبان، زیرجامه، زیرشلواری، دستار، منديل، پایاب	هَرَس	بریدن شاخه های زائد درخت
خواستن	آرزو کردن، اراده کردن، طلبیدن، اشتیاق داشتن، طلب کردن، احضار کردن	تَأَنّی	درنگ کردن، سستی کردن، تأخیر کردن
خاستن	برخاستن، بلند شدن، اوج گرفتن، پدید آمدن، ظاهر شدن، قیام کردن، ازبین رفتن، زایل شدن، ناپدیدگشتن، روییدن	تَعَتّی	رنج بردن و رنجانیدن
إِمارت	امیری، حکمرانی، حکومت، سلطنت، فرماندهی، فرمانروایی، ملکت، ولایت	أَجَل	زمان مرگ، مرگ، موت، گاه، موعد، مهلت، وقت، هنگام
عِمارت	بنا، ساختمان، بدنه، پیکر، تنه، آبادانی، آبادی، تعمیر، عمران	عَجَل	عجله، شتافتن {عَجَل: شتابان، سریع}
أَمارات	جمع أمارت: نشانه ها و علامتها	مِهْجور	جدا، دور، دورافتاده، متروک، هجران کشیده
تَأَمَّل	نیک نگریستن، اندیشه کردن	مَحْجور	مفلس، ورشکسته، سفیه، منع شده از کار و تصرف در اموال
تَعَمَّل	کار کردن	عَزَل	از کار بازداشتن، بیکار کردن، اخراج، انفصال، خلع، منفصل
قضا	امر، تقدیر، سرنوشت، قدر، دادرسی، داوری، تادیه، ادا کردن	أَزَل	زمان بی ابتدا، سرمدی، همیشگی
غزا	آرزم، جدال، جنگ، جهاد، رزم، غزوه، مصاف، نبرد	ثنا	تحسین، تمجید، حمد، سپاس، ستایش، مدح، منقبت، تحیت، درود
غذا	خوراک، خوردنی، طعام، قوت، مائده	سنا	روشنایی، بلندی، رفعت
تأویل	بازگردانیدن، تفسیر کردن، بیان کردن	غَنّا	توانگری، بی نیازی، بسیار مال شدن، ثروتمندی
تعویل	اعتماد، تکیه، مددخواهی، زار زدن، گریه کردن، زاری کردن	غِنّا	آواز خوش، سرود، نغمه
ثواب	پاداش اخروی، اجر، مزد، ≠ عقاب، گناه	غالب	پیروز، پیروزمند، چیره، فاتح، فایق، قاهر، متسلط، مستولی، مسلط، منتصر، فزون، بسیار، فراوان
صواب	درستی، راست، راستی، بجا، معقول	قالب	شکل، طرح، فرم، هیئت، بدن، تن، کالبد
گذاردن	ایجاد کردن، قرار دادن، اجازه دادن	صَلاح	مصلحت، نیکی، خوبی، خیر، نیک شدن
گزاردن	ادا کردن، پرداخت کردن، به جا آوردن، تعبیر خواب	سِلاح	جنگ افزار، آلت جنگ، تفنگ
هور	خورشید	طَبْع	سرشت، خوی، نهاد
حور	زیباروی بهشتی	تَبَع	پیروی
غریب	دور، نا آشنا	إِنعام	نعمت دادن، بخشش، نواخت، هدیه
قریب	نزدیک	أَنعام	چهارپایان



در کدام گزینه مغالطه نگارشی کلمات دیده نمی‌شود؟

- (۱) درس‌های تحلیلی فلسفه توسط طراحان آزمون‌ها تحلیل شد. (۲) دکتر ایلخانی استاد فلسفه مسیحی است.
(۳) همایش جدیدترین یافته‌های زمین‌شناسی در جیرفت برگزار شد. (۴) غالب اشعار شاهنامه فردوسی مثنوی است.

پاسخ: بیایید با هم تک‌تک گزینه‌ها را بررسی کنیم. در گزینه اول ممکن است عبارت «توسط ...» شما را به شک بیندازد. اما دقت کنید که این جمله با گذاشتن یا نگذاشتن ویرگول در هر صورت یک معنا دارد و در آن مغالطه نگارشی کلمات رخ نمی‌دهد. در گزینه دوم اما جایگاه ویرگول در معنا تأثیر دارد. این که «دکتر ایلخانی» استاد فلسفه، مسیحی است» دو معنای متفاوت است. در گزینه سوم جایگاه ویرگول در این معنا تأثیر دارد که آیا جیرفت محل یافته‌های جدید زمین‌شناسی است یا محل برگزاری همایش است. در گزینه چهارم با کمی دقت و تعمق درمی‌یابیم که خطای دیکته وجود دارد. املاي واژه «قالب» اشتباهاً «غالب» نوشته شده است. گاهی اوقات نمی‌توانیم تشخیص دهیم که کدام یک از این دو واژه درست و کدام غلط است. اما از آنجایی که می‌دانیم همه ابیات شاهنامه مثنوی هستند، پس املاي «قالب» درست است و «غالب» خطای نگارشی است که در معنا نیز مؤثر واقع شده است.

۶ ابهام در مرجع ضمیر

- با مفهوم «ضمیر» در ادبیات آشنا شده‌اید و می‌دانید که ضمائر دو دسته هستند:

۱ ضمائر منفصل (من، تو، او، ما، شما، آن‌ها)

۲ ضمائر متصل (ـم، ـت، ـش، ـتان، ـشان)

- مغالطه ابهام در مرجع ضمیر: گاهی اوقات در جملات ضمائر منفصل یا متصل وجود دارند اما درباره این که این ضمائر دقیقاً به چه چیزی برمی‌گردند ابهام وجود دارد. به این ابهام و دو پهلوی بودن جملات که ناشی از مشخص نبودن مرجع ضمیر است، «مغالطه ابهام در مرجع ضمیر» گفته می‌شود.

- مثال ۱:** رستم بر اسب نشست. دستی بر سرش کشید: ۱ رستم دستی بر سر خودش کشید ۲ رستم دستی بر سر اسب کشید.
مثال ۲: پلنگ دنبال آهو بود که شکارچی به آن شلیک کرد: ۱ به پلنگ شلیک کرد ۲ به آهو شلیک کرد.



توجه کنید که برای مغالطه ابهام در مرجع ضمیر همیشه قرار نیست پای یک ضمیر در میان باشد. با توجه به مثالی که کتاب در داستان پادشاه لیدیه آورده، می‌توان گفت که حالت دیگری هم برای مغالطه ابهام در مرجع ضمیر وجود دارد: گاهی اوقات یک «وصف / توصیف» یا یک «اسم» وجود دارد که معلوم نیست مربوط به چه چیزی / کسی است. این حالت را هم که معلوم نیست آن وصف یا اسم به چه چیزی برمی‌گردد ذیل ابهام در مرجع حساب می‌کنیم. مثلاً در داستان پادشاه لیدیه، این گونه است که پادشاه قبل از جنگ با ایران از پیشگو مشورت می‌خواهد. پیشگو می‌گوید تو با این جنگ پادشاهی قدرتمندی را نابود می‌کنی. پادشاه لیدیه در جنگ شکست می‌خورد. کاهن در پاسخ شکوایه او گفت که نگفته کدام پادشاهی قدرتمند! او پادشاهی قدرتمند لیدیه را نابود کرد.



کتاب درسی در میانه این بخش جمله مبهمی را بیان کرده است با این عنوان که: «استفاده از عبارات دو پهلوی می‌تواند باعث بروز خطای اندیشه شود». حالا یک پرسش مطرح می‌شود که نیاز به توجه و دقت دارد.



آیا هر عبارت دو پهلویی ذیل ابهام در مرجع ضمیر قرار می‌گیرد؟ اگر از عبارت دو پهلوی پرسید باید حتماً ابهام در مرجع ضمیر بگیریم؟ **پاسخ:** درواقع پاسخ اصلی به این پرسش خیر است. اما باید به چند نکته دیگر هم توجه کنید. چرا خیر؟ چون در مغالطاتی مانند اشتراک لفظ و نگارشی کلمات هم می‌توان نوعی ابهام و دو پهلوی بودن دید و باید بررسی کرد که چه چیزی موجب ابهام و دو پهلوی شدن عبارت شده است. این چیزی است که نوع مغالطه را مشخص می‌کند. البته به نظر می‌رسد این جمله باقی‌مانده چاپ کتاب قبلی است که موضوع متفاوتی داشت، لذا به نظر نمی‌رسد طراح کنکور توجه چندانی به آن کند. در چاپ قبلی کتاب مغالطه‌ای بود تحت عنوان «ابهام در عبارت» و این که عبارتی دوپهلوی باشد و معنای دوگانه داشته باشد را در یک دسته جدا در نظر گرفته بود. الآن این مورد از کتاب به درستی حذف شده است. ولی متأسفانه مؤلف کتاب درسی و مؤلفان کتب کمک آموزشی دست از سر عبارات آن برنداشته‌اند و برایشان خیلی پرحمت بوده که این قسمت را بازنویسی کنند! انگار فقط اسم ابهام در عبارت را خط زده‌اند و تبدیلیش کرده‌اند به ابهام در مرجع ضمیر. درحالی که این دو با هم متفاوت‌اند.



حالا بیایید بعد از یک مطالعه موشکافانه و دقیق با یک تست از بحث ابهام در مرجع ضمیر پرونده آموزش این درس را ببندیم!

در کدام گزینه نمی‌توان مغالطه ابهام در مرجع ضمیر را یافت؟



(۱) علی کتاب‌های احمد را به برادرش داد.

(۲) او گفت که «این خودرو مال من است».

(۳) نقد مارکس به هگل در هستی‌شناسی‌اش بیشتر به چشم می‌آید.

(۴) فروشنده گفت من گفتم آدم سود خوبی می‌کند، شما سود نکردید اما من سود بسیاری بردم!

پاسخ: بیایید با هم به ترتیب گزینه‌ها را بررسی کنیم. در گزینه اول مرجع ضمیر «ش» مشخص نیست (این که احمد است یا علی). در گزینه دوم شاید فکر کرده باشید مرجع ضمیر «من» مشخص نیست. اما دقت کنید که این عبارت درون گیومه قرار دارد و فقط می‌تواند معنای شخص گوینده‌اش را بدهد. اگر گیومه نبود، آن وقت ابهام در مرجع ضمیر داشتیم. پس پاسخ تست همین گزینه است. در گزینه سوم مرجع ضمیر «اش» مشخص نیست (هستی‌شناسی مارکس یا هستی‌شناسی هگل؟). گزینه چهارم شبیه فرم داستان پادشاه لیدیه است. در این‌جا فروشنده گفته که «آدم سود خوبی می‌کند» اما مشخص نیست که این آدم که سود خوبی می‌برد کیست؟ خریدار؟ یا خود فروشنده؟

یادداشت:



درس دوم

منطق دهم

لفظ و معنا

2

تست های آپولونی (ساده تر اما شفاف و آموزنده):



(آپولون خدای روشنایی و خورشید در یونان باستان است. به گفته یونانیان هر بامداد گردونه آفتاب را به بالای آسمان می کشد و از شرق به غرب می راند. وقت این است که با تست های ساده تر و آموزشی آپولونی نوری بر مفاهیم و نکات آموزشی مباحث مختلف این درس بیندازیم)

هر یک از عبارات «سواد و کتاب هم وزن اند»، «ماهیت درخت از خارج دریافت می شود» و «انسان ها در کشورهای گوناگونی زندگی می کنند» مربوط به کدام حوزه اند؟

۷۱

به ترتیب «آنچه دارای منشأ خارجی است» و «آنچه بر یک مصداق دلالت می کند» و «به یک معنی در ذهن ما ارجاع می دهد» مربوط به کدام یک از موارد زیر است؟

۷۲

(۱) مفهوم - مفهوم - لفظ (۲) مصداق - مفهوم - لفظ (۳) مصداق - لفظ - مفهوم (۴) مفهوم - لفظ - مصداق

آیا خطا در یکی از حیطه های ذهن، زبان و خارج می تواند باعث خطا در دیگری شود؟

۷۳

(۱) بله - خطا در ذهن می تواند باعث خطا در لفظ شود اما بر عکس آن ممکن نیست

(۲) بله - خطا در هر یک از حیطه های ذهن و زبان و خارج، می تواند باعث خطا در بقیه شود

(۳) خیر - این سه حیطه کاملاً مجزا هستند و تأثیری روی یکدیگر ندارند

(۴) خیر - فقط ذهن است که اشتباه می کند و دو حیطه دیگر خطاناپذیرند

چرا منطق به بررسی دو حیطه زبان و جهان خارج می پردازد؟

۷۴

(۱) چون برای فهم مطالب فلسفی اهمیت دارند.

(۳) چون ذهن با زبان (الفاظ) و جهان خارج ارتباط دارد.

(۲) چون اهمیت بیشتری از ذهن دارند.

(۴) چون بررسی آن ها به خودی خود از وظایف منطق است.

چرا منطق به بررسی قواعد صرفی و نحوی زبان های مختلف نمی پردازد؟

۷۵

(۱) چون منطق مربوط به زبان خاصی نیست.

(۲) چون در صرف و نحو، به هیچ وجه امکان خطا وجود ندارد.

(۳) چون از مباحث مهم نیستند و اهمیت کمی دارند.

(۴) چون صرف و نحو از پیچیدگی زیادی برخوردار است.

کدام گزینه در مورد مغالطه ای که به بیان مولوی «دائم رهن است» صحیح می باشد؟

۷۶

(۱) از اشتباه گرفتن کلماتی که معنای مشترک و لفظ متفاوت دارند پدید می آید.

(۲) اشتباه گرفتن دلالت های لفظ باعث ایجاد آن می شود.

(۳) بسیاری از لطیفه ها بر اثر منشأ این مغالطه شکل گرفته اند.

(۴) اگر یک کلمه دو معنی متفاوت داشته باشد، این مغالطه حتماً پدید خواهد آمد.

در کدام گزینه واژه مشترک لفظی دیده نمی شود؟

۷۷

(۱) به یاد روی شیرین بیت می گفت.

(۲) نرگس افسونگرش آهو شده است.

(۳) تا دل هرزه گرد من رفت به چین زلف او.

(۴) ای همنشین دل که کردت سلطنت مغرور.

چه مغالطه ای در استدلال «در باز است. هر بازی غیر بسته است. پس در بسته نیست. یعنی نمی شود آن را پُست کرد» وجود دارد؟

۷۸

(۱) مغالطه نگارشی (۲) ابهام در مرجع ضمیر (۳) توسل به معنای ظاهری (۴) اشتراک لفظ

۷۹ «سمانه هنگام بازی شطرنج به احمد گفت: چرا اینطوری بازی می‌کنی؟ تو نمی‌توانی مهره سرباز را سه خانه جلوتر ببری! احمد سرباز دیگری را سه خانه جلوتر برد و گفت: دیدی که می‌توانم». در این عبارت چه مغالطه‌ای رخ داده است؟

- (۱) اشتراک لفظ
(۲) توسل به معنای ظاهری
(۳) ابهام در مرجع ضمیر
(۴) مغالطه نگارشی کلمات

۸۰ در کدام عبارت اشتراک لفظ می‌تواند باعث بروز مغالطه شود؟

- (۱) حمید و علی دیروز با هم به مدرسه رفتند.
(۲) بچه‌ها برای دیدن شیر به باغ وحش رفتند.
(۳) روزی راننده‌ای به پیچی رسید، خم شد و آن را برداشت.
(۴) شیرین و فرهاد با هم ازدواج کرده و یکدیگر را دوست دارند.

۸۱ کدام گزینه نمی‌تواند زمینه‌ساز مغالطه اشتراک لفظ شود؟

- (۱) شور فرهاد کجا کم شود از پاسخ تلخ؟
(۲) با این همه دور از تو مرا چهره زردی است.
(۳) آن‌ها از لذت شرب مدام در طریقت غافل‌اند.
(۴) گفتا غلطی خواجه در این عهد وفا نیست.

۸۲ مدیر شرکتی در جلسه هیأت مدیره بیان می‌کند «با وجود چنین کارکنانی، شرکت در افزایش نرخ تولیدش موفقیت چندانی کسب نکرده است.» در اینجا امکان بروز کدام مغالطه وجود دارد؟

- (۱) اشتراک لفظ
(۲) توسل به معنای ظاهری
(۳) نگارش کلمات
(۴) ابهام در مرجع ضمیر

۸۳ کدام یک از گزینه‌ها لزوماً بیانگر پدید آمدن مغالطه اشتراک لفظ است؟

- (۱) وجود یک کلمه با دو یا چند معنی مختلف
(۲) اشتباه گرفتن معانی مختلف که ظاهر یکسان دارند
(۳) وجود کلمه‌ای که بتوان با آن جناس تام به وجود آورد
(۴) وجود آرایه ابهام در جمله و دوبهل بودن آن

۸۴ لفظ مشخص شده در کدام گزینه دلالت متفاوتی دارد؟

- (۱) همین چند روز پیش خانه ام را دزد برد.
(۲) همه کلاس دقایقی ایستاده او را تشویق کردند.
(۳) دیگر سلف دانشگاه را رزرو نمی‌کنم. مرزهاش افتتاح بود.
(۴) اراضی سالن و پارک روبه‌رو را به وزارت ورزش و جوانان واگذار کردیم.

۸۵ در کدام گزینه نوع متفاوتی از دلالت لفظ بر معنا وجود دارد؟

- (۱) مدادم را تراشیدم.
(۲) امروز با دوچرخه برگشتم.
(۳) کتابم پاره شد.
(۴) دستت را به من بده.

۸۶ در کدام گزینه لفظ «خانه» دلالت غیرمطابقی ندارد؟

- (۱) با آمدنش همه خانه غرق در شادی شدند.
(۲) در بازسازی‌های امسال خانه را رنگ کردیم.
(۳) شب خانه روشن می‌شود چون یاد نامت می‌کنم.
(۴) خانه را عوض کردیم تا به محل کارم نزدیک باشد.

۸۷ اگر لفظی دلالت یا داشته باشد، حتماً دلالت هم دارد.

- (۱) التزامی - تضمینی - مطابقی
(۲) مطابقی - تضمینی - التزامی
(۳) التزامی - مطابقی - تضمینی
(۴) مطابقی - التزامی - تضمینی

۸۸ دلالت واژه‌های مشخص شده در کدام گزینه یکسان است؟

- (۱) آن‌ها برای حفظ این مرز و بوم خون دادند - برخی از ابیات صائب بسیار درخشانند - او زیر بار مشکلات کمر خم نکرد
(۲) هنگام فوتبال پایم شکست - در بدترین موقعیت ماشینم خراب شد - اگر بخوای سربازی بروی باید سرت را از ته بزنی
(۳) خدا رحمت اسیران خاک را - خودت را به چند نخ سیگار فروختی؟ یک نخ؟ دو نخ؟ - اسب شاهزاده سفید است
(۴) وحشت شهر را فرا گرفت - شب بود و کوچه‌ها خلوت شده بود - هوا بس ناجوانمردانه سرد است

۸۹ علت عدم تکرار حد وسط در قیاس زیر چیست؟

- «خداوند نور آسمان‌ها و زمین است، نور قابل رؤیت است؛ پس خداوند قابل رؤیت است»
(۱) اشتراک لفظ
(۲) توسل به معنای ظاهری
(۳) عدم تکرار کامل حد وسط
(۴) مغالطه نگارشی کلمات

۹۰ اشتباه لفظی زیر با کدام مغالطه ارتباط بیشتری دارد؟

«مترجمی که سخنان رئیس جمهور ایران را برای رئیس جمهور روسیه ترجمه می‌کرد برای ترجمه عبارت "در خدمتم"، ترجمه تحت‌اللفظی و نامناسب "I am at your service" را بیان کرد!»

- (۱) اشتراک لفظ
(۲) توسل به معنای ظاهری
(۳) نگارش کلمات
(۴) ابهام در مرجع ضمیر

کدام عبارت ممکن است به مغالطه توسل به معنای ظاهری منتهی شود؟

۹۱

- (۱) کتابم را به دوستم هدیه دادم.
(۲) من پول غذا را پرداخت کردم.
(۳) سیم کارت برادرم سوخت.
(۴) دزد ماشینم را برد.

در کدام گزینه مغالطه توسل به معنای ظاهری به کار رفته است؟

۹۲

- (۱) از آنجایی که ماست از شیر است پس کلسیم دارد!
(۲) علی برادر احمد است، او انسان باهوشی است!
(۳) گفتم کیف پولم را جا گذاشته‌ام، نگفتم که پول همراهم نیست!
(۴) من از راهنمایی شما پشیمان شده‌ام!

مغالطه «شیوه نگارش کلمات» در کدام مورد امکان بروز ندارد؟

۹۳

- (۱) علائم سجاوندی
(۲) سخنان گفتاری
(۳) دیکته کلمات
(۴) موارد نگارشی

کدام یک از موارد زیر موجب بروز مغالطه نگارشی کلمات نمی‌شود؟

۹۴

- (۱) استعمال جابه‌جای واژگان و الفاظ هم‌آوا
(۲) عدم رعایت ویرگول و علائم موثر در معنا
(۳) ننوشتن حرکات در واژگان با ظاهر مشترک
(۴) استفاده از شیوه بلاغی و عدم ترتیب اجزای جمله

در کدام گزینه مغالطه نگارشی کلمات دیده می‌شود؟

۹۵

- (۱) کتاب تألیف شده، توسط رضا خوانده شد.
(۲) بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است.
(۳) گابریل پژوهشگر عرفان نظری ژاپنی می‌باشد.
(۴) برای او فرقی نمی‌کند ملک در اختیار تو باشد.

در کدام گزینه امکان وجود مغالطه نگارشی وجود ندارد؟

۹۶

- (۱) قاضی به سمت دشمن حمله کرد.
(۲) تو به جرم کلاهبرداری در این دادگاه محاکمه می‌شوی!
(۳) از میزان بدهی‌ات به ما بگو.
(۴) بدهکار به طلبکار نگاه کرد. او عصبانی بود.

در مکالمه زیر امکان بروز چه مغالطه‌ای وجود دارد؟

۹۷

- از نقد نیچه بر مبانی هستی‌شناسانه هگل اطلاع داری؟
- آری! می‌دانم که او اشتباه کرده است.

- (۱) اشتراک لفظ
(۲) توسل به معنای ظاهری
(۳) نگارش کلمات
(۴) ابهام در مرجع ضمیر

در کدام عبارت ممکن است مغالطه ابهام در مرجع ضمیر رخ دهد؟

۹۸

- (۱) امتحان کنکور سراسری امسال برای همه ما تجربه جدیدی بود ولی خیلی سختی کشیدیم.
(۲) شاید پدر علی متوجه رفتار بدش شده باشد ولی به رویش نیاورد.
(۳) من و دوستم به پارک رفتیم و در حالی که قدم می‌زدیم درباره موضوعات مختلف نیز گفت‌وگو کردیم.
(۴) متأسفانه باز هم همان اتفاقی افتاد که نباید می‌افتاد.

کدام یک از گزاره‌های زیر می‌تواند فرد را دچار مغالطه ابهام در جمع ضمیر کند؟

۹۹

- (۱) علی در هنگام بازی فوتبال لباسش پاره شد.
(۲) مادر به فرزندانش گفت که از کیف پولش مراقبت کنند.
(۳) ساسان: میل دارید که با من هندوانه بخورید؟ - کامبیز: نه میل ندارم.
(۴) من پدرم را هنگام صحبت کردن با دوست صمیمی‌ام دیدم.

کدام گزینه دربردارنده مغالطه ابهام در مرجع ضمیر است؟

۱۰۰

- (۱) برایش لباس خریده بودم که از آن خوشش نیامد.
(۲) از خودت بپرس چرا من باید چنین غمگین باشم.
(۳) برای این لحظه باید بهترین حس‌هایت را روانه کنی.
(۴) کتاب‌هایت را به او بده تا برایت نگهداریشان کند.

گفت‌وگوی زیر دربردارنده چه مغالطه‌ای است؟

۱۰۱

- اینستاگرام بهترین مکان برای پولسازی است. این دوره آموزشی من را بخیر تا برایت اثبات شود.
- ولی من این دوره را خریدم و ثروتمند نشدم!
- اما خودم در عوض ثروتمند شدم! نگفتم که قرار است تو ثروتمند بشوی!

- (۱) اشتراک لفظ
(۲) نگارش کلمات
(۳) ابهام در مرجع ضمیر
(۴) توسل به معنای ظاهری

۱۰۲ در چند عبارت ابهام در مرجع ضمیر دیده می‌شود؟

- او همیشه از برادرش قدبلندتر بود
- آن دو نفر را در مسیر دیدم
- او به من گفت باید بروم، چون کلاس شروع شده است
- علی قبل از اینکه انگشترش را به دریا بیاندازد کمی به آن نگاه کرد

۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

۱۰۳ نوع مغالطه احتمالی در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

- ۱) گفت بروید کار کنید نگفت بروید بخوابید. (مغالطه توسل به معنای ظاهری)
- ۲) ز گریه مردم چشمم نشسته در خون است. (مغالطه اشتراک لفظ)
- ۳) ثبت احوال: در این روستا همه کشاورز هستند. (مغالطه اشتراک لفظ)
- ۴) معلم از دانش آموز خواست از کتابش نگهداری کند. (ابهام در مرجع ضمیر)

۱۰۴ در کدام گزینه نوع مغالطه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- ۱) ما گفتیم خط تلفن را در فلان تاریخ وصل می‌کنیم که وصل هم کردیم. دیگر نگفتیم بوق هم می‌خورد!
- ۲) یک تهیه‌کننده فیلم: من در خانه سینما را گل می‌گیرم. چند روز بعد مقداری گل به در خانه سینما مالید!
- ۳) گفتیم هزینه‌های خرید خانه را من حساب می‌کنم. بیا تا بگویم چقدر باید پرداخت کنی.
- ۴) سعادت غایت زندگی انسان است. غایت زندگی انسان مرگ است: سعادت انسان همان مرگ اوست.

۱۰۵ در عبارات زیر به ترتیب کدام مغالطه‌ها رخ داده است؟

- الف) فردی با دیدن واژگان می و شراب و ... در غزلیات حافظ نتیجه می‌گیرد که او فرد متدینی نبوده است.
- ب) دیشب دوستم پیام داد: پدرم فوت کرد. ناراحت شدم و تسلیت گفتم؛ اما او پاسخ داد: نه او شمع را فوت کرد!
- ج) بنگاهی به فروشنده ملک گفت: در این معامله سود خوبی به انسان می‌رسد. فروشنده خانه را فروخت ولی بعد فهمید که قیمت ملکش بیشتر بوده و ضرر کرده است. وقتی اعتراض کرد بنگاهی گفت: من گفتم به انسان سود خوبی می‌رسد، نگفتم به کدام انسان. خریدار سود خوبی کرد!
- ۱) ابهام در مرجع ضمیر - اشتراک لفظ - توسل به معنای ظاهری ۲) توسل به معنای ظاهری - شیوه نگارش کلمات - ابهام در مرجع ضمیر
- ۳) ابهام در مرجع ضمیر - توسل به معنای ظاهری - اشتراک لفظ ۴) توسل به معنای ظاهری - ابهام در مرجع ضمیر - اشتراک لفظ

۱۰۶ کدام گزینه به ترتیب درست مغالطه‌های موجود در عبارات زیر اشاره می‌کند؟

- الف) مردی به همسرش قول داد تا هفته بعد سیگار نکشد. پانزده دقیقه بعد سیگاری روشن کرد. در برابر اعتراض همسرش گفت زمانی که قول دادم ساعت ۲۳:۴۵ جمعه بود و الآن که یک ربع گذشته در شنبه هفته بعدیم!
- ب) دانشجوی تازه وارد: جای خواندم که دکتر ایلخانی، استاد فلسفه، مسیحی است. دانشجوی سال آخر: نه درست ننوشته‌اند. ایشان، استاد فلسفه مسیحی است.
- ج) با مدیرمان سوار بر ماشینش به سمت دفتر حرکت کردیم. صدایش واقعا در راه آزاردهنده بود.

- ۱) ابهام در مرجع ضمیر - اشتراک لفظ - توسل به معنای ظاهری ۲) توسل به معنای ظاهری - شیوه نگارش کلمات - ابهام در مرجع ضمیر
- ۳) اشتراک لفظ - شیوه نگارش کلمات - ابهام در مرجع ضمیر ۴) توسل به معنای ظاهری - ابهام در مرجع ضمیر - اشتراک لفظ

۱۰۷ در عبارت‌های زیر چه مغالطاتی دیده می‌شوند؟

- تو نباید در دادگاه اقامه دعوا کنی. دعوا کار خوبی نیست!
 - دیگر پایت را از گلیمت دراز تر کرده‌ای. اما من گلیمی ندارم که پایم را از آن دراز تر کنم.
 - من نیما را با رضا در حالی که درس می‌خواند در مدرسه دیدم.
- ۱) اشتراک لفظ - توسل به معنای ظاهری - ابهام در مرجع ضمیر ۲) توسل به معنای ظاهری - توسل به معنای ظاهری - ابهام در مرجع ضمیر
- ۳) اشتراک لفظ - اشتراک لفظ - توسل به معنای ظاهری ۴) توسل به معنای ظاهری - اشتراک لفظ - اشتراک لفظ

۱۰۸ در کدام گزینه نوع مغالطه احتمالی، نادرست ذکر شده است؟

- ۱) علی با حسن به سربازی رفت. (توسل به معنای ظاهری)
- ۲) تا علی از اتاق بیرون رفت خواهرش کتابش را برداشت. (ابهام در مرجع ضمیر)
- ۳) خانم معلّمی امروز به مدرسه ما آمد. (شیوه نگارشی)
- ۴) دارم شطرنج بازی می‌کنم، چون مربی گفت برای کاهش وزن باید ورزش کنی. (توسل به معنای ظاهری)

در جملات زیر کدام مغالطه وجود ندارد؟

۱۰۹

(الف) پدر: پسر من در این زمانه باید آسته بیای و آسته بری که گربه شاخ تخته! پسر: پدرجان! گربه بیچاره شاخش کجا بود آخه؟
(ب) برو گاو را از طولیه بیار! خویش را بهش ببند که زمین را شخم بزنیم.

(ج) ششمین و آخرین بند این قرارداد به جبران خسارت‌های احتمالی ما می‌پردازد.

(۱) توسل به معنای ظاهری (۲) شیوه نگارش کلمات

(۳) اشتراک لفظ (۴) ابهام در مرجع ضمیر

به ترتیب در کدام گزینه نوع مغالطات جملات زیر به درستی ذکر شده است؟

۱۱۰

(الف) از نظر او زندگی نوع بشر پس از جنگ‌های گوناگون با تعلم گره خورده است.

(ب) او سرش را تتراشیده است، چون سرش سالم و سلامت روی تنش است!

(ج) علی این کتاب را شیوا و بی نقص خواند.

(۱) نگارشی کلمات - ابهام در مرجع ضمیر - اشتراک لفظ (۲) ابهام در مرجع ضمیر - نگارشی کلمات - اشتراک لفظ

(۳) ابهام در مرجع ضمیر - توسل به معنای ظاهری - نگارشی کلمات (۴) نگارشی کلمات - توسل به معنای ظاهری - اشتراک لفظ

تست‌های ونوسی (دشواری اما زیبا و ذوق‌آور)

(ونوس نام رومی آفرودیت، خدای زیبایی در یونان باستان است. او همانند مرواریدی گرانبها از آب دریا زاده شده است. این تست‌های سخت، پر از ایده‌های نو و همانند دانه‌های زیبای مروارید تراش خورده هستند. برای اهل ذوق و فلسفه که دنبال بهترین و سطح بالاترین سوالات می‌گردند)



کدام گزینه درباره بحث «الفاظ و معانی» در منطق نادرست است؟

۱۱۱

(۱) به علت همبستگی دو ساحت زبان و ذهن در منطق به آن توجه بسیاری می‌شود.

(۲) منطق را با زبانی خاص نمی‌سنجیم، بلکه صرفاً قواعد کلی رابطه لفظ و معنا را بررسی می‌کنیم.

(۳) قواعد صرفی و نحوی زبان نمی‌توانند در معانی و ارتباطات گفتاری و نوشتاری ما موجب بروز خطا و مغالطه گردند.

(۴) به علت اهمیت نقش ارتباطی زبان در انتقال معانی، نمی‌توان معانی را صرفاً به صورت منتزع و جدای از الفاظ زبانی بررسی کرد.

در صورتی که لفظ تکرار شده در مقدمات یک استدلال معانی متفاوتی داشته باشد و با این وجود از قیاس نتیجه گرفته شود، با چه مغالطه‌ای روبه‌رو هستیم؟

۱۱۲

(۱) اشتراک لفظ

(۲) توسل به معنای ظاهری

(۳) نگارش کلمات

(۴) ابهام در مرجع ضمیر

کدام گزینه الزاماً به معنای رخ دادن مغالطه اشتراک لفظ است؟

۱۱۳

(۱) قابلیت استنباط معانی متعدد از لفظ یا جملاتی در عبارت

(۲) عدم وجود معنای مشترک در بین حداقل دو واژه

(۳) نمایانگری لفظ واحد از چندین معنای متعدد

(۴) عدم تفکیک و خلط معانی یک لفظ واحد و ثابت

در کدام مورد بعضاً وجود اشتراک لفظ امری پذیرفتنی است و زمینه مغالطه را فراهم نمی‌کند؟

۱۱۴

(۱) اشعار دارای آرایه جناس همسان

(۲) لطیفه‌های گوناگون رایج در بین مردم

(۳) استدلال‌های قیاسی و اقتران حملی و شرطی

(۴) جملات تأکیدی و راهنما در مکان‌های عمومی شهر

در صورت وجود یک واژه دومعنایی در یک عبارت، کدام یک از آرایه‌های ادبیات فارسی در اکثر موارد می‌تواند زمینه‌ساز مغالطه اشتراک لفظ محسوب شود؟

۱۱۵

(۱) ابهام

(۲) ابهام تناسب

(۳) جناس همسان

(۴) تکرار

در کدام گزینه مغالطه اشتراک لفظ دیده می‌شود؟

۱۱۶

(۱) ماست از شیر است، شیر کلسیم دارد؛ ماست کلسیم دارد.

(۲) شور شیرین ننما تا نکنی / ناز بنیاد مکن تا ندهی بر بادم.

(۳) این عکس تار است، تار آلت موسیقی است؛ این عکس آلت موسیقی است.

(۴) تا دل هرزه گرد من رفت به چین زلف او / زان سفر دراز خود عزم وطن نمی‌کند.

۱۱۷ کدام بیت دارای الفاظ مستعد مغالطه اشتراک لفظ نیست؟

- ۱) قلب بی حاصل ما را بز ن اکسیر مراد / یعنی از خاک ره دوست نشانی به من آر
- ۲) دی می شد و گفتم صنما عهد به جای آر / گفتا غلطی خواجه در این عهد وفا نیست
- ۳) تو کافر دل نمی بندی نقاب زلف و می ترسم / که محرابم بگرداند خم آن دلستان ابرو
- ۴) چون تو هوا را بشکنتی، پا بر هوا نه هین بیا / بر آسمان و بر هوا صد ره پدید آید تو را

۱۱۸ در مصراع زیر بروز کدام مغالطه محتمل تر است؟

«تار زلفت را جدا مشاطه گر از شانه کرد»

- ۱) توسل به معنای ظاهری ۲) ابهام در مرجع ضمیر ۳) اشتراک لفظ ۴) شیوه نگارش کلمات

۱۱۹ کدام گزینه درباره مغالطه به کاررفته در عبارت زیر صحیح نیست؟

«یکی سرش خورد به جدول، نشست و جدول را حل کرد!»

- ۱) شایع و متداول بودن این مغالطه سبب شده است که مولوی از آن تعبیر به «رهزن دائم» بکند.
- ۲) واژه‌هایی مستعد بروز این مغالطه هستند که در لغت‌نامه حداقل دو معنای مختلف داشته باشند.
- ۳) در عبارت «کودکی تا پدرش را دید لباسش را مرتب کرد» مشابه این مغالطه به کار رفته است.
- ۴) علاوه بر اسامی، تعدد معانی در افعال و حروف نیز می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد این مغالطه شود.

۱۲۰ اگر بعد از بیان عبارت «سارا و سعید با هم ازدواج کردند» این را تذکر بدهیم که سارا و سعید زن و شوهر نیستند، از امکان بروز چه مغالطه‌ای جلوگیری کرده‌ایم؟

- ۱) توسل به معنای ظاهری ۲) اشتراک لفظ
۳) ابهام در مرجع ضمیر ۴) شیوه نگارش کلمات

۱۲۱ کدام گزینه درباره مغالطه توسل به معنای ظاهری صحیح است؟

- ۱) زمانی است که هر کدام از اقسام دلالت را به جای دیگری به کار ببریم.
- ۲) در الفاظی رخ می‌دهد که معنای ظاهری و مطابقی آن‌ها پذیرفتنی نیست.
- ۳) فقط در کلمات رخ می‌دهد و نمی‌توان در عبارات سراغی از آن گرفت.
- ۴) نمی‌تواند خود سبب بروز اقسام دیگری از مغالطات در تفکر و اندیشه گردد.

۱۲۲ کدام گزینه درباره مغالطه نگارشی کلمات نادرست است؟

- ۱) سراسر به حیطة مکتوبات و نوشته‌ها منحصر می‌شود.
- ۲) می‌توان با دیکته کلمات و یا حرکات آن‌ها ارتباط داشته باشد.
- ۳) برای رفع ابهام ناشی از مشترک لفظی راه به جایی نمی‌برد.
- ۴) زمانی مغالطه محسوب می‌شود، که موجب ابهام در معنای جمله شود.

تست‌های کنکور سراسری


(آنچه از سر گذشت! برای اینکه بیاموزید، درس بگیرید، تحلیل کنید)

۱۲۳ کدام مورد، قابلیت مغالطه توسل به معنای ظاهری را دارد یا براساس این مغالطه بیان شده است؟ (سراسری ۹۹)

- ۱) دانایان معتقدند که شیر، در رویاهای صادق، از علم حکایت دارد.
- ۲) میان ماه من تا ماه گردون / تفاوت از زمین تا آسمان است
- ۳) گفتم: فعلاً کمی دست به عصا باش. گفت: آخر عصا ندارم.
- ۴) مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو / یادم از کشته خویشت آمد و هنگام درو

۱۲۴ کدام گزینه می‌تواند یک عبارت دوپهلو به شمار رود؟ (خارج از کشور ۹۹ - با تغییر)

- ۱) این تابلو هیچ قیمتی ندارد.
- ۲) من از راهنمایی شما پشیمانم.
- ۳) خانه ارزان کمیاب است و هر کمیابی گران است.
- ۴) فارغ التحصیلان رشته روان شناسی از روان آدم‌ها باخبرند.

۱۲۵ اگر کسی استدلال کند که قضیه «مریم دختر متواضعی است» یک قضیه موجبه جزئیه است؛ زیرا «مریم» مفهومی جزئی است، دچار چه مغالطه‌ای شده است؟ (سراسری ۱۴۰۰)

- ۱) تمثیل ناروا ۲) اشتراک لفظ
۳) تعمیم شتابزده ۴) توسل به معنای ظاهری

۱۳۶

در کدام یک، هر سه نوع دلالت برای «مدرسه» به کار رفته است؟

(سراسری ۱۴۰۰)

- ۱) نقاش بعد از نقاشی مدرسه، به مدیر مدرسه گفت که از دانش آموزان بخواهد که در حفظ نظافت مدرسه همکاری کنند.
- ۲) علی هنگام ورود به مدرسه، متوجه شد مدرسه را دزد برده و دانش آموزان با ناراحتی در حال مرتب کردن مدرسه‌اند.
- ۳) دانش آموزان از مدرسه اجازه گرفتند تا مدرسه را برای جشن تزئین کنند و پس از اتمام کار از مدرسه خارج شوند.
- ۴) مدرسه ما نزدیک یک کارخانه است. تمام مدرسه از صدای کارخانه ناراضی‌اند و قرار است مدرسه را به جای دیگر ببرند.

۱۳۷

در کدام عبارت، احتمال وقوع مغالطه اشتراک لفظ وجود دارد؟

(خارج از کشور ۱۴۰۰)

- ۱) قضایا مانند مفاهیم، به جزئی و کلی تقسیم می‌شوند.
- ۲) تصدیق می‌کنم که به درستی، متوجه منظور شما نشدم.
- ۳) او خدو انداخت بر رویی که ماه/سجده آرد پیش او در سجده‌گاه
- ۴) کار پاکان را قیاس از خود مگیر / گرچه باشد در نبشتن شیر شیر

۱۳۸

در کدام مورد، نوع دلالت همه الفاظ مشخص شده بر معنای آن‌ها یکسان است؟

(خارج از کشور ۱۴۰۰)

- ۱) دوستش او را به خانه خود برد. - دست‌های او را تا جایی که می‌توانی بالا ببر - خدا در قرآن به قلم سوگند خورده است.
- ۲) پاک کنی که خریده‌ام، خوب پاک نمی‌کند. - دستم روی کاغذ می‌دوید و داستان را پیش می‌برد. - در قوری گم شده است.
- ۳) تو ماه منی، مرا با ماه گردون کاری نیست. - چون کوه استوار باش و دلت را به خدای بسیار - ماشین پت پتی کرد و از کار افتاد.
- ۴) دست خدا بالای دست‌های آنان است. - سرو از میان درختان، مظهر خوش قد و بالائی است. - پس از رسیدن به خانه، دست و صورت را بشوئید.

۱۳۹

در کدام گزاره، امکان وقوع مغالطه اشتراک لفظ وجود دارد؟

(سراسری ۱۴۰۱)

- ۱) ثروت آدمی در گوهر وجود او است.
- ۲) آینده درخشان این کودک از وجنات او هویدا است.
- ۳) خانه را دزد برده است؛ هرچه گشتم پیدایش نکردم.
- ۴) یکی از معلم‌ها را پس از مدت‌ها دیدم و از او چند عکس به یادگار گرفتم.

۱۳۰

در کدام عبارت، دلالت مفهوم موردنظر بر معنا، «دلالت تضمن» است؟

(خارج از کشور ۱۴۰۱)

- ۱) پایه میز جدا شده است و نیاز به تعمیر دارد.
- ۲) در هر ملکول آب دو ملکول هیدروژن وجود دارد.
- ۳) در نماز پیشانی خود را به نشانه خاکساری، پر خاک می‌ساییم.
- ۴) مادرم به من یک روسری آبی آسمانی با گل‌های سفید و زرد هدیه داد.

۸۰ حرف «با» می‌تواند دو معنی داشته باشد. با همدیگر به مدرسه رفتند، یا همزمان با هم وارد مدرسه شدند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه **۲**: در این گزینه ابهامی یا مشترک لفظی‌ای دیده نمی‌شود.
گزینه **۳**: با توجه به این که در انتهای عبارت این گزینه شواهدی داریم که معنای اصلی کلمه «پیچ» را مشخص می‌کند، مغالطه‌ای نداریم.
گزینه **۴**: قید «یکدیگر» هم ابهام را از این گزینه می‌زداید.

۸۱ در این عبارت واژه «شور» که مشترک لفظی است که با توجه به قراین موجود در جمله معنای آن مشخص است **(به معنای اشتیاق)** و ابهام ندارد. بنابراین زمینه‌ساز اشتباه و مغالطه اشتراک لفظ نمی‌باشد. اما در گزینه‌های دیگر واژه مشترک لفظی ابهام دارد و در تشخیص معنای دقیق آن امکان اشتباه وجود دارد.

۸۲ از این عبارت دو معنا به ذهن می‌آید: یکی اینکه به خاطر وجود چنین کارکنانی شرکت عملکرد خوبی ندارد، دومی اینکه علیرغم وجود چنین کارکنانی شرکت باز هم عملکرد خوبی ندارد. «با» در این عبارت به دو معنای «به خاطر» و «علیرغم» می‌تواند فهمیده شود و این می‌تواند موجب بروز مغالطه «اشتراک لفظ» گردد.

۸۳ اگر معنای مختلف یک لفظ چندمعنایی را به خاطر ظاهر لفظی مشترک با هم اشتباه بگیریم مغالطه اشتراک لفظ رخ می‌دهد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه **۱**: صرف وجود یک مشترک لفظی در جمله به معنای رخ دادن مغالطه اشتراک لفظ نیست. بلکه باید معنای اشتباهی استنباط شود.
گزینه **۳**: این کلمات مشترک لفظی هستند که بتوان با آن‌ها جناس تام ساخت. که همانگونه که گفته شد، صرف وجود مشترک لفظی به معنای رخ دادن مغالطه اشتراک لفظ نیست.

گزینه **۴**: وجود آرایه‌ی ابهام در جمله یا متن از شروط وجود داشتن مغالطه‌ی اشتراک لفظ نیست؛ چون اگر در یک جمله کلمه‌ای با دو یا چند معنی وجود داشت و مستعد پدید آوردن این مغالطه بود، لزوماً به این معنی نیست که باید ابهام نیز به وجود بیاورد چون ممکن است که هر دو معنی آن به درستی در متن قابل جایگذاری نباشد. دویلهو بودن بعضی جملات هم به خاطر اشتراک لفظ نیست و ممکن است عامل دیگری داشته باشد.

۸۴ در گزینه چهارم دلالت سالن مطابقی است و کل سالن و نه بخشی از آن یا چیزی همراه آن واگذار شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه **۱**: منظور از خانه، وسائل و لوازم خانه است؛ پس دلالت التزامی است.
گزینه **۲**: منظور از کلاس، دانش‌آموزان و حاضرین در کلاس است؛ پس دلالت التزامی است.
گزینه **۳**: منظور از سلف، خود سلف دانشگاه نیست، بلکه غذای سلف دانشگاه است؛ پس دلالت التزامی است.

۸۵ دلالت گزینه دوم مطابقی است و سایر گزینه‌ها دلالت تضمینی است **(در گزینه اول منظور از مداد قسمت نوک مداد است. در گزینه سوم منظور از کتاب، قسمتی از آن نظیر جلد یا کاغذ آن است. در گزینه چهارم منظور از دست، قسمت انگشتان و کف دست است.)**

نکته: دست به معنای مطابقی منظور از شانه تا نوک انگشتان است. اگر منظور تنها قسمتی از این محدوده باشد همیشه دلالت تضمینی است.

۸۶ گزینه **۴** خانه دلالت مطابقی دارد و منظور خود خانه است. در گزینه‌های دیگر دلالت‌ها تضمینی **(به معنای اعضای خانه، دیوارهای خانه)**

و فضای داخل خانه) یافت می‌شوند. البته شاید بهتر باشد معنای فضای داخل خانه را به نوعی دلالت التزامی بگیریم؛ حال که فرقی نمی‌کند و دلالت در هر صورت مطابقی نیست.

۸۷ اگر لفظی معنای التزامی یا تضمینی داشته باشد، حتماً معنای مطابقی هم دارد، اما کلمه‌ای که معنای مطابقی دارد ممکن است معنای التزامی یا تضمینی نداشته باشد. قاعداً اگر لفظی بخواهد یک معنای فرعی داشته باشد، باید معنای اصلی‌ای داشته باشد تا به معنای دیگر آن معنای فرعی و غیرمطابقی بگوییم. معنای اصلی همان دلالت تضمینی است و معنای فرعی همان دلالت‌ها تضمینی و التزامی هستند.

۸۸

بررسی گزینه‌ها:

گزینه **۱**: واژه‌ی خون در اینجا مجاز از جان است **(آن‌ها برای حفظ این مرز و بوم خون دادند)**. در نتیجه دلالت التزامی محسوب می‌شود - واژه‌ی ابیات در معنی واقعی خودش به کار رفته و دلالت مطابقی دارد - کمر خم نکردن کنایه از تسلیم نشدن است در نتیجه دلالت التزامی دارد

نکته: در کتاب‌های ادبیات مطرح می‌شود که بیت، مجاز از شعر است. این نکته در همه جا صدق نمی‌کند؛ مانند مثال همین تست. واژه‌ی «ابیات» اینجا در معنی خودش به کار رفته و منظور برخی از بیت‌هایست که صائب سروده. در نتیجه مجازی در کار نیست و دلالت مطابقی است.

گزینه **۲**: کلمه‌ی پا دلالت تضمینی دارد چون بخشی از استخوان پا شکسته است نه کل آن - ماشین در این جمله دلالت تضمینی دارد چون مثلاً موتور یا بخش دیگری از آن خراب شده نه کل ماشین و همه‌ی اجزای آن - مقصود از سر موهای سر است که باید تراشیده شوند نه کل آن در نتیجه دلالت تضمینی است. گزینه **۳**: خاک مجاز از قبر است و دلالت التزامی دارد - واژه‌ی «خودت» دلالت تضمینی دارد و منظور شرافت خودت است نه کل وجود خودت - اسب دلالت تضمینی دارد چون کل اسب شاهزاده سفید نیست و بخش‌هایی از بدن آن سفید است، مثلاً سُم اسب شاهزاده که سفید نیست!

گزینه **۴**: شهر مجاز از مردم شهر است و دلالت التزامی دارد - کوچه دلالت مطابقی دارد - هوا دلالت مطابقی دارد

۸۹ در مقدمه اول «نور» به معنای استعاره‌ی به کار رفته است و در مقدمه دوم به معنای اصلی و مطابقی. پس با توسل به معنای ظاهری سر و کار داریم.

تله: توجه کنید که «نور» واژه چند معنایی نیست و ما اینجا با بحث اقسام دلالت لفظ بر معنا روبه‌رو هستیم، نه اشتراک لفظ! اشتراک لفظ مربوط به زمانی است که خود لفظ معانی متعدد مستقل و جدای از هم داشته باشد. وگرنه اگر لفظ یک معنای اصلی داشته باشد و سایر معانی از دلالت‌ها، استعاره و مجازی مربوط به معنای اصلی به شمار روند با بحث اقسام دلالت مواجه هستیم.

۹۰ عبارت «در خدمت» معنای التزامی و ضمینی «همراه شما هستیم» دارد؛ ولی مترجم آن را به صورت تحت‌اللفظی و مطابقی ترجمه کرده است که توسل به معنای ظاهری محسوب می‌شود.

۹۱ فقط در عباراتی که دلالت التزامی یا تضمینی داشته باشند، امکان بروز مغالطه توسل به معنای ظاهری وجود دارد. در گزینه **۳** سوخت به معنای التزامی به کار رفته است. **(خراب شدن)** یا حتی خود سیمکارت هم منظور کل سیمکارت نیست. قاعداً همه سیمکارت که خاکستر نشده است، بلکه فقط قسمتی از آن خراب شده و از کار افتاده است.

۱۰۱: ۳ در این سخن معلوم نیست که وصف «ثروتمندشدن» به چه کسی برمی گردد. این مثال شبیه مثال «پادشاه لیدیه» است که در کتاب درسی بیان شده است. این حالت‌ها را هم مغالطه ابهام در مرجع ضمیر به حساب می آوریم.

۱۰۲: ۲

بررسی موارد:

مورد ۱: ابهامی ندارد و ضمیر متصل «ش» در کلمه‌ی برادرش به «او» بر می گردد.
مورد ۲: هیچ ابهامی در این مورد وجود ندارد
مورد ۳: ابهام دارد. در عبارت «او به من گفت باید بروم» معلوم نیست که منظورم از باید بروم مخاطب است یا گوینده
مورد ۴: ابهام دارد. علی قبل از انداختن انگشتر به دریا به انگشتر نگاه کرد یا دریا؟

استراتژی: در حل تست‌های ابهام و ابهام در مرجع ضمیر بهتر است اول ضمایر (متصل و منفصل) و سپس افعال را بررسی کنید.

۱۰۳: ۴ در گزینه ۴ مرجع ضمیر در کتابش مشخص نیست. معلوم نیست که این ضمیر به دانش آموز برمی گردد یا به معلم ارجاع می دهد.

۱۰۴: ۴ کلمه غایت در جمله اول (مقدمه اول استدلال) به معنای هدف و در جمله دوم (مقدمه دوم استدلال) به معنای آخرین رویداد است. پس یک مغالطه بر اساس اشتراك لفظ به کار رفته است.
در سایر گزینه ها مغالطه توسل به معنای ظاهری به کار رفته است:
در گزینه ی اول به جای معنای التزامی وصل کردن خط تلفن (که یعنی آن تلفن کار کند و قابل استفاده باشد) معنای ظاهری و مطابقی را گرفته است (که همان اتصال سیم تلفن به تنهایی است).
در گزینه ی دوم به جای معنای التزامی گل گرفتن (که یعنی قطع امید کردن و مقابله کردن) معنای ظاهری و مطابقی را گرفته است (که همان مالیدن مقداری گل روی آن در است).
در گزینه ی سوم به جای معنای التزامی حساب کردن (که یعنی پرداخت پول و بهای چیزی) معنای ظاهری و مطابقی را گرفته است (که همان جمع و تفریق کردن و رسیدن به مقدار آن است).

۱۰۵: ۲

بررسی عبارات:

در عبارت الف، معنای مطابقی می و شراب به معنی مسکرات به جای معنای التزامی آن در عرفان نظیر عشق الهی و ... به کار رفته است و به این خطا، مغالطه توسل به معنای ظاهری می گویند.
در عبارت ب به دلیل عدم رعایت حرکات بد فهمیده «فوت» مغالطه رخ داده است. تلفظ فوت به معنای مرگ با فوت به دهان را از باد پر کردن و بیرون دادن، متفاوت است. دقت کنید اینجا الفاظ دقیقاً عین هم نیستند و مغالطه اشتراك لفظ نیست. به خاطر رعایت نکردن حرکات حروف مغالطه نگارش کلمات داریم.
عبارت ج مانند همان حکایت پادشاه لیدیه در کتاب درسی است. معلوم نیست که لفظ انسان یا فردی که سود می کند دقیقاً کدام یک از اشخاص است. لذا مغالطه ابهام در مرجع ضمیر داریم.

۱۰۶: ۲

بررسی عبارات:

الف) مرد سیگاری به معنای مطابقی «تا هفته بعد» متوسل شده و روز شنبه را دقیقاً از ساعت نیمه شب (۰:۰۰) حساب کرده است. درحالی که همسرش و

۹۲: ۳ معمولاً منظور از جا گذاشتن کیف پول به همراه نداشتن پول است، نه معنای مطابقی آن. در این عبارت فرد چیزی که معمولاً به معنای التزامی به کار می رود را به معنای مطابقی گرفته است و مصداق توسل به معنای ظاهری محسوب می شود.

۹۳: ۲

عدم رعایت دقیق علائم سجاوندی و حرکات کلمات، باعث پدید آمدن «مغالطه شیوه نگارش کلمات» می شود. این خطا می تواند به جز علائم سجاوندی و حرکات، ناشی از دیکته کلمات نیز باشد. این مغالطه در نوشتار و صورت مکتوب کلام رخ می دهد، نه در صورت گفتاری.

۹۴: ۴

استفاده از شیوه بلاغی و عدم ترتیب اجزای جمله لزوماً از مواردی نیست که باعث مغالطه نگارشی کلمات شود. مغالطه نگارشی کلمات به حیطه نوشتن و کتابت مربوط است، نه به مباحث دستوری و بلاغی.

۹۵: ۲

این عبارت را می توان بسته به جایگاه ویرگول به دو صورت خواند: «گابریل، پژوهشگر عرفان نظری، ژاپنی می باشد» و «گابریل، پژوهشگر عرفان نظری ژاپنی می باشد». در سایر گزینه ها با گذاشتن درست علائم نگارش ابهام و خطا برطرف شده است و مغالطه نگارشی کلمات نداریم.

۹۶: ۴

بررسی گزینه ها:

گزینه ۱: کلمه ی «قاضی» به صورت غازی نیز نوشته می شود که معنی جنگجو و بندباز می دهد. در نتیجه احتمال مغالطه ی نگارشی وجود دارد.
گزینه ۲: با جا به جایی ویرگول معنی عوض می شود. «تو به جرم کلاهبرداری، در این دادگاه محاکمه می شوی» و «تو به جرم کلاهبرداری در این دادگاه، محاکمه می شوی»
گزینه ۳: با جا به جایی ویرگول معنی عوض می شود. «از میزان بدهی ات، به ما بگو» و «از میزان بدهی ات به ما، بگو»
گزینه ۴: در این گزینه مغالطه ی نگارشی وجود ندارد اما در عوض ابهام در مرجع ضمیر مشهود است و مرجع ضمیر «او» مشخص نیست؛ بدهکار عصبانی است یا طلبکار؟

۹۷: ۴

در این گفت و گو مرجع ضمیر «او» نامعلوم و مبهم است. مشخص نیست که منظور گوینده نیچه است یا هگل.

۹۸: ۲

در گزینه ۲ مرجع ضمیر در کلمه «بدش و رویش» مشخص نیست. ممکن است به این ضمایر به «علی» برگردند یا به «پدر علی» ارجاع دهند.

۹۹: ۴

در اینجا مرجع وصف «صحبت کردن با دوست صمیمی» مشخص نیست و معلوم نیست که خود فرد در حال صحبت با دوستش بوده و پدرش را دیده، یا آنکه پدرش را دیده است که دارد با دوستش صحبت می کند.

تله: در گزینه دوم دقت کنید که ابهام در مرجع ضمیر روی نمی دهد زیرا «مادر» و «فرزندان» واژگانی هستند که از لحاظ شمار با هم متفاوت هستند. و ضمیر «ش» مفرد است و فقط می تواند به «مادر» که مفرد است ارجاع دهد.

۱۰۰: ۲

مرجه ضمیر «من» در این عبارت مشخص نیست. «من» می توان منظور متکلم باشد یا مخاطبی که دارد با او صحبت می کند. در سایر گزینه ها ابهامی درباره مرجع ضمیر وجود ندارد و معانی آن ها واضح و مشخص هستند.

اکثریت مردم، از عبارت «تا هفته بعد» به معنای التزامی، حداقل چند روز یا هفت روز کامل را در نظر دارند.

ب) مغالطه شیوه نگارش کلمات، از عدم رعایت دقیق علائم سجاوندی و حرکات کلمات به وجود می آید. در جملات پیرامون استاد فلسفه مسیحی، علامت ویرگول به درستی به کار نرفته بود و باعث مغالطه شد.

در این عبارت، معلوم نیست مرجع ضمیر «ش» در «صدایش» به مدیر برمی گردد یا ماشین او. صدای مدیر آزاردهنده بوده یا صدای ماشین او. بنابراین ابهام در مرجع ضمیر دارد.

۱۰۷

بررسی موارد:

مورد ۱: در اینجا دعوا دو معنی دارد، یکی به معنای شکایت در دادگاه و دیگری به معنی زد و خورد. این باعث شده تا در این جمله مغالطه اشتراک لفظ صورت بگیرد چون فرد اول این واژه را به معنی شکایت مطرح کرده ولی فرد دوم به معنی زد و خورد برداشت کرده است.

مورد ۲: پایت را از گلیمت دراز تر کرده ای کنایه است و معنی از حد گذشتن دارد. شخص در این جا معنی حقیق و دلالت مطابقی گلیم را در نظر گرفته که باعث به وجود آمدن مغالطه توسل به معنای ظاهری شده.

مورد ۳: در عبارت «من نیما را با رضا در حالی که درس می خواند در مدرسه دیدم»، مرجع فعل درس می خواند مشخص نیست: رضا درس می خواند یا نیما؟ به همین خاطر در این جمله مغالطه ابهام در مرجع ضمیر مشهود می باشد.

۱۰۸

مغالطه موجود در این عبارت، اشتراک لفظ ناشی از حرف «با» است. با دو معنی دارد: «همراه حسن به سربازی رفت» یا «همزمان با حسن به سربازی رفت».

۱۰۹

بررسی عبارات:

الف) مصداق توسل به معنای ظاهری است، زیرا پسر ضرب المثلی که معنای کنایی و التزامی دارد را به معنای مطابقی فهمیده است.

ب) مغالطه نگارشی کلمات دارد و «خیش» با دیکته و املاي نادرست نوشته شده است.

ج) ابهام در مرجع ضمیر دارد و معلوم نیست که «ما» منظور کسی است که خسارت احتمالی را متحمل می شود یا کسی است که خسارات احتمالی را وارد می سازد. همچنین معلوم نیست که ششمین بند همان آخرین بند است یا اینها دو بند جداگانه هستند.

۱۱۰

عبارت «الف» مغالطه نگارشی کلمات دارد: زیرا املاي کلمه تألم (به معنی اندوه و درد) نادرست آمده است. بنابراین دیکته کلمات یکی از مواردی است که می تواند منجر به مغالطه نگارشی کلمات گردد.

عبارت «ب» توسل به معنای ظاهری دارد: زیرا «سر» در این عبارت دلالت غیرمطابقی دارد و منظور کل سر نیست اما فرد آن را دلالت مطابقی گرفته است. عبارت «ج» مغالطه اشتراک لفظ دارد زیرا خواندن هم به معنای قرائت کردن است و هم به معنای اعلام کردن.

۱۱۱

بررسی گزینه های تست:

گزینه ۲ و ۳: علم منطق وابسته به زبانی خاص نیست و لذا در این بحث وارد قواعد صرفی و نحوی نمی شویم؛ بلکه به بررسی اصول کلی ای می پردازیم که

اطلاع از آنها در حیطه زبان (الفاظ)، به ما در جهت جلوگیری از خطای اندیشه یاری می رسانند. اما این سخن بدین معنا نیست که قواعد صرفی و نحوی زبان نمی توانند در معانی و ارتباطات گفتاری و نوشتاری ما موجب بروز خطا و مغالطه گردند. بلکه در منطق به علت اینکه قواعد کلی و همگانی تفکر مورد بررسی قرار می گیرند، ما به زبان های خاص و قواعد خاص آنها نمی پردازیم. (درستی عبارت

گزینه ۲ و نادرستی عبارت گزینه ۳)

گزینه ۱ و ۴: برای بیان و انتقال افکار خود به دیگران از الفاظ استفاده می کنیم. از آنجا که خطای در الفاظ و معنای آنها می تواند باعث خطا در اندیشیدن (تعریف و استدلال) شود، به مبحث الفاظ در منطق توجه خاصی می شود. (درستی عبارت

گزینه های ۱ و ۴)

۱۱۲ برای مثال استدلالی با مقدمات «شیر کلسیم دارد + شیر حیوان جنگل است»، لفظ تکرار شده (شیر) معنای یکسانی ندارد، و با نتیجه گرفتن از این استدلال مغالطه اشتراک لفظ روی می دهد.

تله: در صورت سوال قید شده که لفظ مذکور معانی متفاوتی دارد، بنابراین از الفاظ مشترک لفظی محسوب می شود و وارد مقوله اقسام دلالت و مغالطه توسل به معنای ظاهری نمی شویم.

۱۱۳ اشتراک لفظ زمانی پیش می آید که معانی گوناگون یک لفظ واحد را با هم خلط می کنیم و آن لفظ را بخاطر واژه و صورت یکسان در معنای نادرستش به کار می بریم.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۱ و ۳: وجود لفظ یا جمله چندمعنایی لزوماً به معنای مغالطه اشتراک لفظ نیست. چون ممکن است همانند آرایه ابهام معانی متعدد آن لفظ قابل قبول باشد و لزوماً مغالطی نباشد.

گزینه ۲: در این مغالطه لفظ مشترک سبب مغالطه می شود و ارتباطی با معنای مشترک واژه های گوناگون ندارد.

۱۱۴ بسیاری از لطیفه ها نیز براساس اشتراک لفظ پدید آمده اند، و هدف از آنها قاعدتاً طنز و استفاده از خود دوپهلوبودن عبارت است، نه مرتکب مغالطه شدن.

۱۱۵ هرگاه یک کلمه چندمعنایی در عبارت ابهام داشته باشد و مقصود گوینده را به طور قطعی نتوانیم تشخیص دهیم، ممکن است دچار مغالطه اشتراک لفظ شویم.

۱۱۶ در گزینه سوم یک واژه مشترک لفظی هر بار به یک معنا به کار برده شده است، ولی هر دو کاربرد آن یکی فرض شده و فرد مرتکب مغالطه اشتراک لفظ شده است.

تله: در شعرهای با آرایه ابهام صرفاً می توانیم بگوییم که زمینه ساز اشتراک لفظ می توانند باشند. مگر نه که در شعر مغالطه صورت نگرفته است!

۱۱۷ در گزینه های اول و دوم و چهارم به ترتیب کلمات مشترک لفظی «قلب»، «عهد» و «هوا» وجود دارند.

۱۱۸ در این عبارت شانه از واژگان مشترک لفظی به شمار می آید بنابراین مغالطه اشتراک لفظ از بین گزینه ها محتمل تر به نظر می رسد.

۱۱۶ ۳ لفظ مدرسه در عبارت «از مدرسه اجازه گرفتند» دلالت التزامی دارد چون منظور خود مدرسه نیست بلکه مقصود کادر مدرسه و مسئولان آن است و در عبارت «مدرسه را برای جشن تزئین کنند» دلالت تضمینی دارد چون منظور بخشی از مدرسه (مثلاً دیوارها و فضای داخلی آن) است و در عبارت «از مدرسه خارج شوند» دلالت مطابقی دارد چون منظور کل مدرسه است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: دلالت لفظ «مدرسه» به ترتیب «تضمینی مطابقی تضمینی» است.
گزینه ۲: دلالت لفظ «مدرسه» به ترتیب «مطابقی التزامی التزامی» است.
گزینه ۴: دلالت لفظ «مدرسه» به ترتیب «مطابقی التزامی مطابقی» است.

۱۱۷ ۱ لفظ‌های «جزئی» و یا «کلی» به معانی متفاوتی به کار می‌روند که نباید آن‌ها را با هم اشتباه بگیریم. یک معنای جزئی مربوط به بحث رابطه مفهوم و مصداق است و به مفهومی گفته می‌شود که قابلیت انطباق بر بیش از یک مصداق را ندارد. اما یک معنای جزئی مربوط به بحث اقسام قضایای حملی است و منظور قضیه‌ای است که دارای سور جزئی است. پس اگر ما این دو معنای متفاوت یک لفظ واحد را با هم اشتباه بگیریم، دچار مغالطه اشتراک لفظ شده‌ایم.

۱۱۸ ۱ دلالت‌های موجود در این گزینه همگی مطابقی هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲: به ترتیب دلالت «مطابقی - التزامی - مطابقی»
گزینه ۳: به ترتیب دلالت «التزامی - مطابقی - تضمینی»
گزینه ۴: به ترتیب دلالت «التزامی - مطابقی - مطابقی»

۱۱۹ ۴ فعل «گرفتن» در عبارت «از او چند عکس به یادگار گرفتم» عبارتی چند معنایی است که می‌تواند مشترک لفظی محسوب شود. ممکن است یک معنای آن «برداشتن چند عکس یادگاری با دوربین» باشد یا به معنای «اخذ کردن و تحویل گرفتن چند عکس» باشد. وجود مشترک لفظی (عبارتی با ظاهر یکسان اما معانی ممکن متعدد) می‌تواند زمینه‌ساز رخ دادن مغالطه اشتراک لفظ گردد.

تله: «خانه» در گزینه سوم مشترک لفظی نیست. بلکه واژه‌ای یک معنایی است که در این عبارت دلالت التزامی دارد. هرگاه در عبارتی دلالت غیرمطابقی (تضمینی یا التزامی) داشته باشیم، آن عبارت می‌تواند زمینه‌ساز مغالطه توسل به معنای ظاهری گردد.

۱۲۰ ۳ منظور از «نماز» در عبارت ذکر شده، بخشی از نماز یعنی «سجده» است که در آن پیشانی خود را بر روی زمین می‌گذاریم. پس دلالت موجود در این گزینه دلالت تضمینی است. دلالت کلمات مشخص شده در سایر گزینه‌ها «دلالت مطابقی» می‌باشد.

۱۲۱ ۳ هر مفهومی در ذهن به فرد یا نمونه‌ای یا افراد یا نمونه‌هایی در جهان خارج دلالت می‌کند. که به آن مصداق گفته می‌شود. پس مصداق مابه‌ازاء و محک مفهومی در جهان خارج است. (محک اسم مفعول از ریشه حکا است، یعنی آنچه از آن حکایت می‌شود. هر مفهومی از مصداقی در عالم خارج حکایت می‌کند؛ بنابراین مفهوم حاکا است و مصداق محک)

۱۲۲ ۳ با اضافه کردن ضمائر اشاره مانند این و آن می‌توان از یک مفهوم کلی مانند کتاب، یک مفهوم جزئی مانند آن کتاب ساخت. اما اضافه کردن مضاف الیه و ضمیر مالکیت و قیده‌ای تخصیص هیچکدام تغییری در کلی بودن مفهوم ایجاد نمی‌کنند. مثلاً مفاهیم «کتاب علی» و «کتابمان» و «تنها کتاب» و یا حتی ترکیبی از آنان مانند «تنها کتاب من» همگی کلی هستند.

۱۱۹ ۳ عبارت مطرح‌شده در صورت سوال اشتراک لفظ است؛ اما نمونه مغالطه ذکر شده در گزینه سوم ابهام در مرجع ضمیر محسوب می‌شود، نه اشتراک لفظ. در این عبارت مرجع ضمیر «ش» مشخص نیست. سایر گزینه‌ها درباره اشتراک لفظ صحیح هستند.

۱۲۰ ۲ در این عبارت حرف «با» مشترک لفظی و دو معنا دارد:
۱. با یکدیگر ازدواج کردند ۲. همزمان ازدواج کردند.
با روشن‌ساختن منظورمان از این جمله از دچار شدن مخاطب به مغالطه ناشی از اشتراک لفظ جلوگیری کرده‌ایم.

۱۲۱ ۲ مغالطه توسل به معنای ظاهری هنگامی رخ می‌دهد که الفاظی که معنای مطابقی ندارند (دلالت تضمینی یا التزامی دارند) را به معنای مطابقی بگیریم. پس قطعاً در الفاظ و عباراتی رخ می‌دهد که دلالت درست آن‌ها غیرمطابقی باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: به هرگونه کاربرد اشتباهی دلالت‌ها به جای یکدیگر مغالطه توسل به معنای ظاهری نمی‌گویند. بلکه باید به جای دلالت تضمینی و التزامی اشتباهی دلالت مطابقی بگیریم.
گزینه ۳: مغالطه توسل به معنای ظاهری در هر لفظ و عبارتی که دلالت تضمینی یا التزامی داشته باشد امکان دارد رخ بدهد. گاهی اوقات جملاتی که مثلاً کنایه دارند - چون دلالت التزامی دارند - می‌توانند زمینه ساز این مغالطه شوند.
گزینه ۴: ممکن است مغالطه توسل به معنای ظاهری باعث عدم تکرار حد وسط در یک قیاس اقترانی بشود.

۱۲۲ ۴ گاهی اوقات مغالطه نگارشی کلمات موجب ابهام در معنای جمله و دومعنایی شدن آن می‌شود. اما همیشه اینگونه نیست. بلکه گاهی صرفاً باعث فهم معنای متفاوت و غلطی از جمله می‌گردد. مثلاً در غلط‌های املائی که معنای واژه در جمله تغییر می‌یابد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: مغالطه نگارشی مربوط به حوزه نوشتن و دیکته است و با گفتار سروکار ندارد.
گزینه ۲: یکی از نمونه‌های مغالطه نگارشی اشکال در دیکته کلمات و حرکات آن‌هاست.
گزینه ۳: مشترک لفظی واژه‌ای است که املا و حرکات یکسانی دارد و نمی‌توان ابهام ناشی از معانی متعدد آن را با ویرایش املائی و نگارشی برطرف کرد.

۱۲۳ ۳ فرد مقابل به جای معنای التزامی (کنایی) دست به عصا بودن یعنی صبر کردن، معنای مطابقی آن را گرفته و گفته است که من عصا ندارم. به کاربرد معنای مطابقی به جای معنای تضمینی و التزامی باعث بروز مغالطه توسل به معنای ظاهری می‌شود.

۱۲۴ ۲ ممکن است فرد با راهنمایی کردن کسی پشیمان شود یا منظور این باشد که از خود راهنمایی گرفتن پشیمان شده باشد.

۱۲۵ ۲ لفظ‌های «جزئی» و یا «کلی» به معانی متفاوتی به کار می‌روند که نباید آن‌ها را با هم اشتباه بگیریم. یک معنای جزئی مربوط به بحث رابطه مفهوم و مصداق است و به مفهومی گفته می‌شود که قابلیت انطباق بر بیش از یک مصداق را ندارد. اما یک معنای جزئی مربوط به بحث اقسام قضایای حملی است و منظور قضیه‌ای است که دارای سور جزئی است. پس اگر ما این دو معنای متفاوت یک لفظ واحد را با هم اشتباه بگیریم، دچار مغالطه اشتراک لفظ شده‌ایم.

نکته: جزئی و کلی چند معنا دارند که در منطق با آن‌ها آشنا شده‌ایم. بنابراین از واژگان مشترک لفظی محسوب می‌شوند.